

**مردم، ثابت کنید  
که آزادی را حق  
خود می دانید**  
راه پیمایی فردا، نمایش اراده شما در  
دفاع از حق حکومت و آزادی است

شنبه  
۲۰  
مرداد ۱۳۵۸  
۱۳۹۹ رمضان  
۱۱ اوت ۱۹۷۹

# پیغام امروز

شماره ۱۲۶ دوره جدید سال بیستم شماره ۱۵

## مطبوعات، پایه پیروزی شما بود چرا این پایه را فرو می ریزید

## دعوت جبهه دمکراتیک برای راهپیمایی اعتراض به اختناق

مطبوعات یکی از پایه های اصلی پیروزی بر شاه بود  
اگر فکتران جنوب، پایه اقتصادی این پیروزی بودند،  
روزنامه نویسانی که گره محور سندیکا جمع شدند و وحدت  
و اراده قاطع خود را برای سرنگونی رژیم نظامی-امپریالیستی  
ابراز کردند، پایه سیاسی-تبلیغاتی پیروزی شدند.

این که پس از سقوط دولت نظامی از هاری بر  
مطبوعات چه گذشت، و آنها که در بنیادهای بزرگ مطبوعاتی  
بودند، روی چه خطی از اشتباه اجتناب ناپذیر افتادند،  
بحثی است. اما، پاسخی که پس از پیروزی به مطبوعات  
داده شد، از همان آغاز وحشتناک و بیم انگیز بود.

مردمانی که در اجتماعات ده هزار نفری برابر  
بنیادهای مطبوعاتی می آمدند تا تهنیت بگویند، رهبری  
آن ها بدست کسانی بود که تهنیت را به زهر انحصار طلبی  
آغشته می کردند. و بسیار زود آثار این زهر آشکار شد.  
مردم آرام گرفتند، ولی دسته های فشار زیر کلید این رهبران  
انحصار طلب، دامن مطبوعات را رها نداشتند، و از  
یک ماه بعد مطبوعات را، که وسیله و ابزار است، با رژیم  
سرنگون شده، یکی گرفتند، و شمار دادند، همانطور که  
شاه را نابود کردند، مطبوعات را هم نابود می کنند.

این اندازه بی اطلاعی از اسر مطبوعات را روزنامه  
نویسان نادیده گرفتند، و در برابر آن، به اعتبار وحدت  
مبارزه انقلابی و به اعتبار رهبر روحانی، سیاسی انقلاب،  
و به استناد سابقه مبارزات مهتدس بازرگان، نخست وزیر

بقیه در صفحه ۸

## انقلابی در حرف و ضد انقلابی در عمل

این تازگی ندارد، ولی زهر آگین ترین دشمنه است  
که به پهلوی انقلاب فرو می رود: آنها که خود را مظهر  
و نماینده و سخنگوی انقلاب می دانند، در زبان و شعار  
انقلابی هستند و در عمل آنچه می کنند، کمتر از کرده های  
ضد انقلاب و ارتجاع میلیتاریستی گذشته نیست.

ارتجاع میلیتاریستی پای بند تمرکز قدرت می خواست  
کردستان را، به گورستانی خاموش مبدل سازد، و نظیر  
این گورستان را، در سراسر استانها پدید آورده بود. و اگر  
ناخت و تازی و حرکتی بود، از پاسداران و ناظران اهزاسی  
گورستان و عوامل خدمت آنها بود.

ارتجاع میلیتاریستی پای بند قدرت مطلق، می خواست  
مردم ایران را در سراسر کشور از آنچه می آید بشینند،  
خالی کند، و آنچه را خود با سز پوک خویشی تدبیر کرده  
بود جان نشینان پشه های آنان سازد. و سانسور، و خود سانسوری

بقیه در صفحه ۷

## دیداری از شورای انقلاب، کمیته ها و دولت (۱۰) «سیا» و انقلاب ایران

امپریالیسم، سایه به سایه انقلاب، در حرکت است.  
بی هیچ تردید، «سیا» فعالترین نقش را در شرایط حاضر،  
و از طریق نفوذ تا اتمام سازمانهای انقلابی، ایفا می کند.  
نقش که در سه شاخه متعدد پیش می رود: تجسس و کسب  
اطلاعات - ارشاد، یاسمی برای انحراف مسیر - تخریب و  
دسیسه انگیزی.

نمایش این هر سه حضور، چندان روشن است که نیاز  
به شکافتن ندارد. و محور اصلی و مده نفوذ را، در ارکان  
مختلف قدرت، می توان نشانه گرفت و ککش های سیاسی  
بقیه در صفحه ۷

### تهاجم به آزادی مطبوعات و نظر مطبوعات آزاد

در مورد تهدید و توقیف  
مطبوعات با چند نشریه تماس  
گرفتم، صبر پنجشنبه پاره ای  
از نشریات تعطیل بودند، پاره  
ای آماده پاسخگویی شدند و  
پاره ای اعلام کردند که در سرمقاله  
همان روز نظریه شورای نویسندگان  
بقیه در صفحه ۷

حیات اجزای جبهه دمکراتیک  
ملی ایران به منظور اعتراض به  
تسطیل روزنامه ها و برای دفاع  
از آزادیها و حقوق دمکراتیک و  
دفاع از دستاوردهای اصلاح انقلاب  
روز یکشنبه ۲۱ مرداد راهپیمایی  
بزرگ اعتراض را برگزار خواهد  
کرد. متن بیانیه جبهه دمکراتیک  
در مورد راهپیمایی چنین است:  
همچنان: همزمان با تصویب  
لایحه ارتجاعی مطبوعات، یورش  
حساب شده قدرت انحصار طلب

به آزادی های دمکراتیک که  
خوبیهای شهیدان راه آزادی  
است، هر روز بیشتر شکل می  
گیرد و حلقه اختناق راتنگ تر می  
کند. هجوم مجدد به مطبوعات  
سراغز مرحله نوینی از این  
تجاوز خودسرانه به آزادی و  
حقوق مردم است. آزادیخواهان  
ایران نمی توانند شاهد بی تفاوت  
احیای اختناق باشند که در چند  
ماه پیش گمان می بردند برای  
حیثیه به خاک سپرده شده است.

مردم آزادیخواه:  
- برای دفاع از دستاوردهای  
اصیل انقلاب.  
- برای دفاع از آزادیها و حقوق  
دمکراتیک مردم ایران.  
- برای پاسداری از آزادی بیان  
و آزادی مطبوعات.  
- برای اعتراض به اقدام  
خودسرانه قدرت حاکم به تعطیل  
روزنامه های آزادیخواه جبهه  
دمکراتیک ملی ایران به یک راه  
بقیه در صفحه ۷

# آیندگان، تنها نیست، آزادی مطبوعات و احزاب مطر حست

## آیندگان در محاصره نظامی است

حدود ساعت ۲ بعد از ظهر  
روز پنجشنبه افراد کمیته مرکزی  
برای جلوگیری از تماس با  
کارگران و کسارکنان متحصن  
آیندگان چاپخانه یادگار محاصره  
نظامی شد.

از این پس اجازه ورود به  
چاپخانه حتی به کارگرانی که  
در بیرون از محوطه بودند، داده  
نشد. افراد کمیته از بردن غذا  
و آذوقه برای متحصنین بشدت  
جلوگیری کردند.

یکی از کارگران که به بهانه  
خوردن غذا از چاپخانه خارج شده  
بود، ملی گفتگویی با خبرنگاران  
پیغام امروز گفت: «افراد کمیته  
پس از راهپیمایی که به طرفداری  
از آیندگان صبح روز پنجشنبه  
انجام شد، به چاپخانه آمدند و  
گفتند: بجز آنهایی که شبپادر  
بقیه در صفحه ۲

## جنگ شوم

گفتند، در روزنامه آیندگان، فیروز گوران، و  
۱۲ تن دیگر را به دستور دادستان گرفته اند. این حیرت انگیز-  
ترین خبر بود. چرا فیروز گوران؟ مگر فیروز گوران؟  
مگر فیروز چه کرده است؟ یا آن ۱۲ تن دیگر که با فیروز  
گرفته اند.

گوران، فرزند رنج و فرزند مطبوعات، و صداقت  
انقلابی او را، همه کسانی که در ماجرای انحصار انقلابی  
مطبوعات حضور داشته، می شناسند. دیگر یاران گوران،  
در روزنامه آیندگان از همین ردیف بودند. مردمانی صادق،  
و جوانانی که به رژیم متحله جز نفرت و کین نداشتند. و  
آنها بودند که از یک بنیاد اسلامی، با حرکتی انقلابی  
پایگاهی ملی و انسانی پدید آوردند.

درسی که یاران آیندگان به روزنامه های بزرگ  
دادند بسیار گران بها بود، ولی دیگران دیر جنبیدند. حالا،  
گوران و چندتن از یارانش را گرفته اند. اتهام آنها چیست؟  
لابد همین تدارک تبلیغاتی چند ماهه رادیو و تلویزیون،  
علیه آزادی مطبوعات.

غیر از آیندگان، هفته نامه آهنگر را هم توقیف کرده اند.  
اینقدر هست که در گرما گرم تشکیل مجلس بررسی نهایی  
قانون اساسی، این یورش به آزادی مطبوعات، طلیعه خوبی  
نیست. و دولت موقت انقلاب، و شورای انقلاب را، در  
مقابل یک داوری تلخ قرار می دهد. یقین است که جنگ با  
مطبوعات، حتی با سلاح وسایلی نظیر رادیو و تلویزیون

بقیه در صفحه ۸

عزالدین حسینی:

## حمله به مطبوعات آغاز حمله به آزادیها و حقوق حقه مردم ایران است

مطبوعات احترام باید گذاشت و  
فکر می کنم حمله به روزنامه ها  
مانند آیندگان و پیغام امروز و  
دیگر روزنامه های شرقی به این  
خاطر است که این روزنامه ها  
حقایق را به اطلاع مردم می رسانند  
بخصوص در مورد وقایع کردستان  
مردم کرد کار این روزنامه ها را  
در انتشار اخبار واقعی هیچگاه  
فراموش نمی کنند.  
خلق کرد این اعمال خود  
سرانه در مورد سلب آزادی  
مطبوعات را شدت محکوم میکنند.

آیت الله سید زالدین حسینی  
رهبر مذهبی و سیاسی خلق کرد  
دیروز در یک گفتگوی تلفنی با  
پیغام امروز گفت:  
حمله به مطبوعات و روزنامه ها  
های شرقی آغاز حمله به آزادیها  
و حقوق حقه مردم است. من این  
اعمال را ناشایست می دانم و  
اعمال خودسرانه مسولان این  
جریانها را محکوم می کنم.  
من بارها گفته ام که به آزادی

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

## توقیف روزنامه ها در صلاحیت دادستان انقلاب نیست

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات  
ایران با انتشار بیانیه ای نسبت  
به تعطیل روزنامه آیندگان و  
آهنگر از سوی دادستان کسل  
انقلاب اعتراض کرد و رسیدگی  
به جرایم مطبوعاتی را خارج از  
وظایف دادگاه های انقلاب تشخیص  
داد.  
در بیانیه انجمن دفاع از آزادی  
مطبوعات می خوانیم:  
دادستان کل انقلاب روز سه شنبه  
۱۶ مرداد دستور توقیف روزنامه  
های آیندگان و آهنگر را صادر  
بقیه در صفحه ۸

## آقای بازرگان آزادی را معنی کنید

● هوشنگ گلشیری شمارش  
مکوس شروع شده است  
● احمد شاملو: لایحه مطبوعات  
سوطنه ایست برای سلب  
آزادیهای اجتماعی فردی و  
اجتماعی

در باره لایحه مطبوعات با  
چندتن از شاعران و نویسندگان  
به گفتگو پرداختیم. احمد شاملو  
غلامحسین ساعدی و هوشنگ  
گلشیری در این باره چنین نظر  
دادند.

شاملو گفت: در مورد لایحه مطبوعات  
یک بار صریحا نظر را عنوان  
کرده ام: این لایحه به اصطلاح  
قانونی فاقد کمترین ارزش  
قانونی است، زیرا که اولاً پیش  
از تصویب قانون اساسی کشور

بقیه در صفحه ۸



# قانون اساسی، در برابر افکار عمومی

پیغام امروز از صاحب نظران برای بیان نظر در مورد متن طرح شده قانون اساسی دعوت می کند

## طرح مقدماتی جاما

(۳)

اصولا این نوع امتیازات برخلاف اصل استقلال اقتصادی و سیاسی و اقتصاد اسلامی است در نتیجه نقض فرض بشمار می رود بدون تصویب و یا با تصویب مجلس ممنوع است حال چه گیرنده امتیاز انحصار خارجی باشد یا داخلی.

اصل ۶۲ - استخدام کارشناس خارجی. ۶۳ - کمکهای بدون عوض. نیز اصولا نقض فرض است در صورت خرید تکنیک خارجی یا خدمی آن جزء قیمت فروش است دیگر احتیاج به استخدام نیست این فرم امکان سوغاستفاده فراهم می آورد. اصل ۶۸ - برقراری حکومت نظامی ممنوع است مگر هنگام جنگ به حکم قانون. هنگام جنگ، مشخص و روشن نیست و دولت میتواند

بوروکراسی شده خسارت دو جانبه بوجود می آورد و ناویر موقعی میرسد که موضوع دعوی منتفی است. تهیه و تنظیم لوایح قانونی مربوط به امور قضائی، تهیه لایحه بودجه دادگستری از وظایف شورای قضائی است که برای طرح و تصویب شورای ملی سپرده میشود در جلسه شورای ملی که برای بررسی آنها تشکیل میگردد اعضای شورای قضائی با حق رای شرکت خواهند کرد.

کلیه افسراد ملت در برابر دادگاه های جمهوری اسلامی از حقوق مساوی برخوردار هستند. این محاکم یکسان و همگانی است در نتیجه محاکم اختصاصی امم از نظامی، اداری... وجود نخواهد داشت وقتی يك مامور دولت تخلف میکند باید در دادگستری مطرح شود «شورای اداری» همانطور که رژیم سابق نشان داد یعنی لوث کردن جرم یعنی مخفی کردن اعمال ناروای يك ارکان اجرائی در نتیجه اصل ۱۴۰ پیش نویس قانون اساسی نیز که به منظور رسیدگی به شکایات مردم از مأمورین اداری (دیوان عدالت اداری) تشکیل میدهد قدمی در جهت محدود ساختن اعمال حاکمیت قضائی

است و رئیس این شورا نیز ضامن استقلال قوه قضائیه است. وظایف این شورا

- ۱- معرفی قضات قابل انتخاب از طریق شوراهای در خوشه شورای سکنائی
- ۲- سازماندهی محاکم و دوائر دادگستری در سراسر کشور و نظارت و هدایت آنها
- ۳- تهیه و تنظیم لوایح قانونی مربوط به امور قضائی- تهیه لایحه بودجه دادگستری و طرح آن در شورای ملی.
- ۴- رئیس شورای قضائی ضامن استقلال قوه قضائیه است و همردیف سایر روسای شوراهای پنجگانه است.

مراحل رسیدگی رسیدگی ماهوی امم از حقوقی و جزائی در دو مرحله نخستین و پژوهشی به عمل می آید و احکام پژوهش قطعی و غیرقابل فرجام و لازم الاجرا است.

تشکیلات قضائی کشور به شکل فیر متمرکز و استانی عمل خواهد کرد. در مرکز هر استان دادگاهی متشکل از شورائی (حداقل ۲ تا ۵ عضو) انتخاب شده و به تناسب احتیاج

# بررسی پیش نویس قانون اساسی بر مبنای نظام شورائی

از طریق قوه قضائیه برداشته و نمیتواند مورد قبول قرار بگیرد. - لوایح قانونی مربوط به امور قضائی مرئیست یا الهام از نمونه های تاریخی عدل و داوریهای اسلامی طوری تنظیم شود که عدالت اسلامی از عدالت طبقاتی متمایز گردد چون در جامعه ای که اختلاف طبقاتی به درجه جامعه کنونی ما است تساوی در برابر قانون به معنای تشدید اختلاف طبقاتی است وجه ضمان مساوی برای يك جرم واحد معنای فرستادن فقیر به زندان و غنی به خانه اش را میدهد.

- قاضی علاوه بر تحصیلات تخصصی و کارآموزی چندین ساله که مبیایست در طی آن صداقت، امانت خود را نیز در محل خدمت نشان داده باشد و کارنامه موجبی داشته باشد. باید با رای مستقیم و مخفی از جانب شوراهای سکنائی انتخاب شده باشند تا مشکلات رژیم قبلی از جمله:

- دست نشاندگی قاضی از جانب قوه مجریه از خلال قوانین مربوط به استخدام قضات و یا از طریق حضور دادگاههای انتظامی و دادسرای انتظامی میگردد از میان برود. «شورای اجرائی» قوه مجریه و بررسی اصول مربوط به آن طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شورای اجرائی «قوه مجریه»

- حاکمیت ملی در زمینه های اجرائی و اداری و دفاعی از طریق انتخاب رئیس جمهور یا رای مخفی و مستقیم اعمال میگردد. ایرانی بودن و اهلیت انتخاباتی برای اعلام آمادگی احراز این مقام و فعالیت در جهت رسیدن به آن کافی است. - رئیس جمهور در برابر مردم مسئول اعمال خویش است. رئیس جمهور رئیس شورای اجرائی است که مرکب از ۷ وزیر و رئیس الوزرا است. البته رئیس جمهوری با يك نفر معاون می تواند از طریق انتخابات مستقیم تعیین شوند که در آن صورت روندی متفاوت خواهد داشت. یعنی سیستم پرزندانسیل خواهد شد یعنی با قدرت بیشتر مسئولین انتخابی که در کادر نظام شورائی که بخش قدرت و نهی آن است بیخطر خواهد بود.

و ضرورت خود شعبی خواهد داشت که اختصاصا به امور حقوقی و جزائی رسیدگی نمایند. این شورا در رابطه مستقیم با خوشه شورای سکنائی به همین روال یعنی انتخاب قاضی از میان کادر یا سابقه و مجرب دادگستری از طرف شوراهای همکاری نزدیک با آنها عمل خواهد کرد.

البته کلیه قضات از بین صاحبان این شغل و در رابطه با ضوابطی از جانب شوراهای سکنائی (شورای ده و محله) انتخاب و ارتقاء داده خواهند شد. بدین نحوه اعضای «شورای عالی قضائی» انتخاب خود را مدیون قوه مجریه نیستند و مثل قوای پنجگانه دیگر و هم سطح یا آنها مشروعیت خود را از مردم نمیگیرند و در برابر مردم نیز مسئول هستند و بر چهار قوه دیگر و کلیه جریانات مملکتی نظارت دارند و تهدیب آنها را تضمین میکنند. حتی گرایش وجود دارد که انتخاب تکراری اعضای شورای قضائی اشکال میداند و در آنچه مربوط به تشکیلات اعمال حاکمیت قضائی در مناطق میگردد در فوق نشان دادیم که بصورت غیر متمرکز شکل گرفتند و در رابطه با خوشه سکنائی شوراهای عمل میکنند. اینجا باید روشن ساخت که نظر به اینکه دادگاههای قضائی از روی قوانین خشک مکانیکی که اغلب هم از نظام قضائی غرب اخذ شده و در فرهنگ ما جذب نشده است - (که همیشه يك حاکم و يك محکوم حاصل میدهد) - قضاوت میکند درحالیکه ممکن است تقصیر و خطا به نسبت های ۵۵/۴۵ تعمیم شده باشد. مرجع است قبل از ارجاع هر نوع دعوائی به محاکم دادگستری از طریق شوراهای هماهنگی بخش، شهر ده یا محله نهادهای قضائی مربوط به آنها مورد بررسی و داورری قرار گیرد قضائی از طریق کنسولمانشی حل نشد و یا مسئله جنائی بود آنگاه دادگاههای محلی نامه ای به دست متقاضی خواهد داد تا مجاز باشد دعوی خود را در مراجع بالاتر مطرح سازد از جمله علل این روش این است که چون بخشی از دعوای روستاها در سالهای کم آبی بر سر آب است و این دعوای احتیاج به حل و فصل سریع دارد که در غیر این صورت گرفتار چرخهای

به بهانه جنگ حکومت نظامی اعلام کند. اصولا در موقع جنگ نظامی باید در جبهه جنگ باشند و تمام کوشش خود را در آن جهت مصروف دارند. وقت کار دیگری ندارند مگر اینکه مقصود از جنگ، جنگ داخلی باشد. در آن صورت نیز نقش ارتش حفظ مرزها و جلوگیری از نفوذ عمال خارجی است و نزاع داخلی نیز باید از راه مذاکره حل شود به هر صورت ارتش جمهوری اسلامی نقش انتظامی و ژاندارمی نخواهد داشت. «شورای قضائی» قوه قضائیه و بررسی اصول مربوط به آن قوه قضائیه یکی از ارکان مهم نظامی سیاسی یا حکومت است. حاکمیت ملی در زمینه امور حقوقی یوسیه قوه قضائیه و از طریق دادگاههای دادگستری اعمال میگردد.

اصل ۱۸ پیش نویس قانون اساسی - «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه های دادگستری است که بر طبق موازین اسلامی تشکیل میشود و به رسیدگی به دعاوی و حل و فصل آنها و حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت اسلامی بپردازد.» «موازین اسلامی» باید بطور دقیق معین شود تا امکان تعبیر و تفسیر از میان برداشته شود.

شورای قضائی

به منظور جلوگیری از نفوذ قوه مجریه در قوه قضائیه شورائی مرکب از ۹ تا ۱۱ نفر از بین رجال قضائی جامعه توسط مردم در سطح ملی یا رای مخفی و مستقیم انتخاب خواهند شد و هر چهار سال نیمی از ایشان تجدید خواهند شد. دادستان کل از بین رئیس شورا انتخاب میشود. بطور استثناء و به علت عدم آشنائی مردم به شخصیت های قضائی از میان قضات و از جانب شورای ملی اولین شورای قضائی انتخاب خواهد شد. سپس با انتخابات دو درجه ای کلیه قضات و از طریق شوراهای سکنائی بخش و شهر انتخاب نموده و این عمل تا سطح استانی و منطقه ای برای انتخاب مسئولین قضائی مرعی شود و فقط شورای قضائی که بالاترین مرجع قضائی کشور و ضامن وحدت رویه قضائی و مستقیما از طرف مردم انتخاب میشود و بطور مستقل نیز در برابر مردم مسئول

# مجلس موسسان - قانون اساسی

# مواضع و نظرهای جبهه ملی، درباره شورای انقلاب - دولت، آشفته گی اوضاع و

و اصلاحات قانونی.

اساسی جمهوری اسلامی ایران فراد گیرد.

(۶)

لازم به تذکر است که تغییرات اخیر تمام اصلاحاتی را از این قبیل که باید در عبارات و متون اصول قانون اساسی بعمل آید دربر نمیگیرد. متن و عبارت کلیه اصول چه از نظر حقوقی و چه از نظر ادبی مستلزم بررسی جدید و اصلاح آن از طرف صاحب نظران می باشد. این امر باید پس از تهیه متن نهائی قانون اساسی در مجلس موسسان از طرف هیاتی شامل حقوقدانان مجرب و ادیبانی که به مسائل و اصطلاحات حقوقی آشنائی دارند انجام پذیرد.

جبهه ملی ایران متن اصلاحی پیش نویس قانون اساسی را در اختیار دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون بررسی قانون اساسی در وزارت طرحهای انقلابی قرار خواهد داد و آماده است که در مراجع مزبور و همچنین برای کلیه علاقمندان و سائس هموطنان توضیحات لازم را در مورد تغییرات و پیشنهادهای خود قرار دهد.

جبهه ملی انتظار بلکه اصرار دارد که پیشنهادهای اصلاحی در مورد قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و قانون بنحو متری اصلاح شود. اگر مجلس موسسان بنحوی تشکیل شود که تمامی طبقات و گروهها و قشرهای مملکت این مجلس را نمایندند خود تلقی نکنند و چنانکه تاکنون مرسوم بوده پیشنهادات و نظرات اصلاحی مورد توجه قرار نگیرد و حتی چنانکه شایع است اصول متری و اساسی نظام مندرج در قانون مذکور که متناسب با اوضاع و احوال فعلی جهانی است نیز تغییر کند باید خاطر نشان نمایم که تشکیل مجلس موسسان و تصویب قانون اساسی نه تنها مشکلات و مسائل فعلی مملکت را برطرف نخواهد کرد بلکه برآب برآشفته گی اوضاع خواهد افزود و ملت را بورطه نامعلومی سقوط خواهد داد.

بدین ترتیب جبهه ملی ایران بجای تنظیم و ارائه طرح جداگانه قانون اساسی جدید اقدام به بررسی طرح پیشنهادی دولت کرد و با اصلاحات و تغییراتی در آن، طرح پیشنهادی را تکمیل نمود. از این رو طرح اصلاحی در مورد پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در واقع نمیتواند طرح جبهه ملی ایران برای قانون اساسی جدید بشمار آید بلکه جبهه ملی ایران با ارائه طرح اصلاحی معتقد است که در صورت انجام اصلاحات مذکور طرح تنظیمی دولت بنحوی تکمیل خواهد شد که یا توجه به اوضاع و احوال فعلی خاص ایران طرح مذکور بعنوان طرح قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی می تواند مورد قبول قرار گیرد و مبنای سازمانی حکومت و روابط قوای حاکمه را بنحو مناسب تنظیم نماید و آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق ملت را در محدوده مقررات قانونی تضمین کند. در طرح اصلاحی جبهه ملی مجموعا ۹۹ اصل از ۱۵۰ اصل تغییر یافته است در نتیجه ۷۷ اصل اصلاح و ۴ اصل بکلی حذف گردیده و بجای آن ۱۸ اصل اضافه شده است.

این تغییرات در سه مورد انجام یافته است:

- ۱- تغییرات بنیادی مانند تغییر اصول و مقررات مربوط به شورا های منطقه ای و اختیارات محلی و طرز انتخاب و اختیارات رئیس جمهوری و نخست وزیر.
- ۲- اصلاحات اساسی در اصول و مواد موجود بدون تغییر محتوای اصلی بنحوی که از نظر قانونی و یا اجرائی بدون اشکال و قابل انطباق با هدفهای قانون اساسی باشد.
- ۳- حذف عبارات زاغد و نامناسب و اصلاح عبارات از نظر حقوقی

جبهه ملی ایران نیز از قبل در نظر داشت راسا اقدام به تهیه طرح قانون اساسی جدید ایران بنماید و یا توجه به مسن مبارزاتی سه ساله نهضت ملی ایران و هدفهای انقلاب بزرگ ملی اسلامی و اوضاع و احوال فعلی کنونی اجتماع ایران و هدفهایی که سیربمدی انقلاب و تکامل نهضت ملی در پیش خواهد داشت طرح اصول قانون اساسی جدید و متری ایران را پایه ریزی نماید و بدین منظور هیاتی از حقوقدانان و صاحب نظران را مامور تهیه طرح قانون اساسی نمود. ولی نظر به تحولاتی که در اوضاع سیاسی کشور روی داد و دولت موقت تحت تاثیر نظرات رهبری انقلاب نخست از تشکیل مجلس موسسان منصرف گردید و بعد با تشکیل مجلس موسسان با تعداد محدودی از نمایندگان موافقت نمود و اعلام داشت که طرح تهیه شده از طرف دولت مبنای بررسی نمایندگان مجلس موسسان قرار خواهد گرفت. جبهه ملی ایران مقتضی دید بجای کوشش برای تهیه طرح جداگانه قانون اساسی ناچار سعی خود را مصروف بررسی و اظهار نظر در مورد طرحی بنماید که از طرف دولت موقت برای بررسی مجلس موسسان تهیه شده است و قلمنا مبنای رسیدگی و مطالعه مجلس مذکور قرار خواهد گرفت.

پس از آنکه پیش نویس طرح قانون اساسی از طرف دولت موقت انتشار یافت بررسیهای اولیه نشان داد که گرچه بعضی از نکات اصلی طرح نمیتواند مورد قبول قرار گیرد و اکثر اصول آن چنان نظر فن قانونگذاری و چه از نظر محتوای مواد باید مورد تجدید نظر اساسی قرار گیرد ولی در صورت اجرا اصلاحات و تغییرات لازم، چارچوب و اساس طرح تنظیمی دولت میتواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر کشور مبنای مناسبی برای تدوین قانون

# آقای رفسنجانی «تضاد عمده تضاد خلق و امپریالیسم است»

## مقالات

**درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا پرداختن آنها از مسائل با منشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده این نظرها را منتشر می‌کنیم.**

از: جلال‌الدین ملک‌شاه - کوردستان  
**گورستانی برای آنان**  
برای تو، ای سرزمین آتش، ای بسبب ایستاده، در انتظار انفجار!  
دشمن، هزار توطئه در آستین خیانت دارد. بگو، شیرزاده‌گان آماده باش! بگو، بلندگهای کوهستان چنگالهایشان را سهقل دهند رویاهان از پیچ راه کوره‌هامی‌آیند! آنان می‌آیند. با توبره‌های خالی تا خاک سبز تورا به آخور اسبان قره‌پروار بریزند. بگو، سنگرها از عشق و ترانه پر کنند! من، با شرم به ستیزه برمیخیزم و هرواژه را گلوله‌وار در سینۀ سیاه دشمن، شلیک می‌کنم توباتفتنگت ای رفیق، شب‌را چنان شکار کن که دیگر هرگز نتواند بر خیزد. \* \* \* برای تو ای سرزمین من! لشکر، لشکر، آماده می‌کنند غنم میاد خاک تورا گورستان بزرگی خواهیم کرد برای آنان..

میدهد و حاکمیت انقلابی خود را برقرار می‌سازد. و اما درباره سیاست نوین اقتصادی «نب» اشاره‌ای کردید. این اتهامات واحی در مورد احیاء سرمایه‌داری قبل از شما و در همان زمان از جانب جناح چپ سوسیال رولوسیونر مطرح بود که نین را بخاطر به خدمت گرفتن مهندسان و اقتصاددانان بورژوا متهمیه همدانستاقی با بورژوازی می‌نمودند اما نین در داین اتهام قاطعانه پاسخ می‌داد که: «تازمانیکه طبقه کارگر مواضع اساس اقتصادی را در کنترل خود گرفته و قدرت سیاسی را در دست داشته باشد عملیات سرمایه‌داری در حلقه محاصره قرار داشته و بیم از آن بی‌هنی است». (نقل از کتاب درباره مالیات مواد غذایی)

آقای رفسنجانی چرا با تحریف واقیبات سعی در فریب مردم می‌نمائید مردم را به وحدت دعوت می‌نمائید و خود در جهتی دیگر حرکت می‌کنید غافل از آنکه حقایق از دید تاریخ پنهان نمی‌ماند و بدانید که تاریخ از آن توده‌ها و خلق‌هاست. با ایمان به پیروزی خلق‌ها و توده‌های زحمتکش

مهرداد طهرانی

بهترین و فعالترین عناصر کارگری و خلقی و دلیران و رزمندگان که تا دیروز در شکنجه‌گاه‌های آریامبری پس می‌بردند اقدامی انقلابی است؟ در چنین فضائی شما صحبت از شکستن سداختناق و استبداد می‌کنید. تو گویی که این علیه دولت انقلابی است غافل از اینکه بدست آوردن آزادی نسبی خوبتهای بیش از ۷۰ هزار شهید و چند هزار زخمی بوده است. تنظیم قانون اساسی در پشت پرده بدون مشارکت راستین نمایندگان خلق‌ها و کارگران و دهقانان و نیروهای ملی وضد امپریالیستی از جانب شما اقدامی انقلابی است؟ در جریان قرار ندادن مردم در کارهای مربوطه خود و عدم اقتضای روابط ایران و آمریکا و همچنین ادامه پروژه‌های ضد خلقی گذشته اقدامی انقلابی است؟ دست از وعده و وعید بردارید و انقلابی بودن را در جریان عمل نشان دهید چه این‌بار طوفان حوادث شدیدتر از آنست که به همراه کشیده‌شود طوفانی سهمگین‌تر و مهلک‌تر از گذشته که خبر از آزادگی از یوغ سرمایه و امپریالیسم می‌دهد و نوید آزادی و آزادگی به خلق‌ها

میکرد و شروع به فعالیت‌های ضد خلقی میکند و در همین هنگام است که پیشوای انقلاب روسیه جنگی قاطعانه جهت نابودی آنها بکار میگیرد و در این راه نیز موفق میشود اما سنوالی که اینجا مطرح میشود اینست که چطور شما کولاک‌ها و روسهای سفید را جزء مردم قرار میدید و این اقدامات را بر علیه خلق قلمداد می‌کنید و عملاً از جبهه ضد خلق در این کشورها حمایت میکنید. آقای رفسنجانی آیا با گفتن اینکه در تمام انقلابات یک گروه خاص شرکت داشته ولی در انقلاب ایران تمام توده‌ها شرکت داشتند چرا سعی می‌کنید که این انقلابات عظیم را که منجر به آزادی خلق‌ها از یوغ امپریالیسم و سرمایه گشته‌اند تخطئه کنید. آیا شما فکر نمی‌کنید که وجه مشترک کلیه انقلابات همانا شرکت تمام خلق بر علیه ضد خلق در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و شرکت طبقات کارگر و متحدین آنها در کشورهای که منجر به انقلاب سوسیالیستی میشود، می‌باشد و مسئله عمده در تمام انقلابات همانا منافع خلق‌هاست. خوار شمردن انقلابات مناطق دیگر نه تنها تیری برای خلق‌های تحت ستم و زحمتکشان ما ندارد بلکه پشت کردن به آرمان خلق‌ها نیز می‌باشد. قانون‌مندی تاریخ همیشه در جهت خواست توده‌ها است. در بسیاری موارد سعی بر این است که ترورها و به آتش کشیده شدن خرمنها در بعضی مناطق را به نیروهای راستین خلق نسبت دهید. ولی آیا شما می‌توانید به یک دهقان ترکمن بگوئید که

میکرد و شروع به فعالیت‌های ضد خلقی میکند و در همین هنگام است که پیشوای انقلاب روسیه جنگی قاطعانه جهت نابودی آنها بکار میگیرد و در این راه نیز موفق میشود اما سنوالی که اینجا مطرح میشود اینست که چطور شما کولاک‌ها و روسهای سفید را جزء مردم قرار میدید و این اقدامات را بر علیه خلق قلمداد می‌کنید و عملاً از جبهه ضد خلق در این کشورها حمایت میکنید. آقای رفسنجانی آیا با گفتن اینکه در تمام انقلابات یک گروه خاص شرکت داشته ولی در انقلاب ایران تمام توده‌ها شرکت داشتند چرا سعی می‌کنید که این انقلابات عظیم را که منجر به آزادی خلق‌ها از یوغ امپریالیسم و سرمایه گشته‌اند تخطئه کنید. آیا شما فکر نمی‌کنید که وجه مشترک کلیه انقلابات همانا شرکت تمام خلق بر علیه ضد خلق در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و شرکت طبقات کارگر و متحدین آنها در کشورهای که منجر به انقلاب سوسیالیستی میشود، می‌باشد و مسئله عمده در تمام انقلابات همانا منافع خلق‌هاست. خوار شمردن انقلابات مناطق دیگر نه تنها تیری برای خلق‌های تحت ستم و زحمتکشان ما ندارد بلکه پشت کردن به آرمان خلق‌ها نیز می‌باشد. قانون‌مندی تاریخ همیشه در جهت خواست توده‌ها است. در بسیاری موارد سعی بر این است که ترورها و به آتش کشیده شدن خرمنها در بعضی مناطق را به نیروهای راستین خلق نسبت دهید. ولی آیا شما می‌توانید به یک دهقان ترکمن بگوئید که

مردم را به اتحاد و وحدت فرا می‌خوانید در حالیکه محتوای رفتار شما نفاق افکنانه و غرض‌آلود می‌باشد با اتخاذ مواضعی در مسائل خارجی شما عملاً آب‌به‌آسیاب امپریالیسم می‌ریزید این امر از بیان بعضی مطالب‌واهی در قبال انقلابات عظیمی چون شوروی، چین و ویتنام و ظفار مشهود است. ولی فراموش نکنید که تضاد عمده تضاد خلق و امپریالیسم به سرکردگی آمریکا میباشد. چرا سعی میکنید که سیر مبارزات مردم را که در جریان قیام بطور عینی و ملموس شاهد آن بودیم از مسیر اصلی منحرف سازید و به کجراه ببرید. آیا شما نفوذ آمریکا را که در دل جامعه ما ریشه دوانیده است حل کردید که می‌خواهید به جنگ‌های عقیدتی و مرامی دست بزنید؟ آیا سعی فکر کرده‌اید که چه نیروهایی از این اتخاذ مواضع شما خشنود میشوند و شما عملاً یا عمداً در چه جبهه‌ای قرار میگیرید؟ آیا عناصر سناواکی و ماموران سیا در جامعه شناسایی شده‌اند که می‌خواهید تضادهای درون خلقی را دامن بزنید و صفوف فشرده را در مقابل امپریالیسم از هم بگسلید؟ تجربیات تاریخی زیادی نشان میدهد که مقاومت ضد خلق بعد از انقلاب دوچندان می‌شود دست به هر کاری می‌زنند تا سیر انقلاب را منحرف سازد انقلاب ایران نیز از این قانون عام مستثنی نیست. تاریخ کشور های همجوار پخوبی نشان میدهند این واقیبت است زیرا که درست بعد از انقلاب اکثر روسیه مقاومت کولاک‌ها و روسهای سفید دوچندان

از ارتش مجزا شوند و تحت نظر مقامات شهر، شهرستان و ایالت عمل کنند.

۸- سازمانهای دفاع ملی باید با همکاری ارتش دائر و در جهت دادن آموزش نظامی به توده‌های مردم اقدام نمایند.

۹- به گروههای انقلابی متعهد که امتحان صداقت و ملی بودن خود را در دوره پهلوی پس داده‌اند باید اجازه‌داد که مشی مسلحانه خود را حفظ نمایند تا در آینده، در موارد مقتضی، بعنوان بازوی جنگنده در خدمت توده‌های مردم باشند. دیدگاه سوم: برای جلوگیری از تاثیر منفی بازسازی ارتش بر فرایند توسعه چه باید کرد؟

برای ممانعت از بازسازی ارتش تا حدی که برنامه‌های توسعه‌ای را تحت تاثیر قرار ندهد، پیشنهادات ذیل ارائه میگردد:

۱- بازسازی ارتش باید زیر نظر نخست‌وزیر و با تصویب مجلس مقننه صورت بگیرد.

۲- تخصیص بودجه نظامی برای بازسازی ارتش و همچنین بودجه‌های سالیانه ارتش باید زیر نظر نخست‌وزیر و با تصویب مجلس مقننه صورت بگیرد.

۳- باتوجه به لزوم عدم تمهد ایران، حجم بازسازی ارتش از نظر افراد - گارد و وظیفه - باید صرفاً باندازه‌ای باشد که نیاز به حراست از مرزهای کشور را تامین کند.

۴- با توجه به رعایت عدم تمهد و عدم درگیری در سیاستهای منطقه‌ای، ارتش نیاز به سلاح مدرن که مستلزم بودجه سنگینی است نخواهد داشت. و لذا کمیت و کیفیت سلاح ارتش باید متناسب با میزان مورد نیاز جهت پاسداری از مرزها تعیین گردد.

حاصل بررسی حاضر اینکه احیای یک ارتش قدرتمند در تبعیت از سیاستهای ابرقدرتها در این منطقه، که وابستگی نظامی، احتمال بروز کودتا و کاهش سطح فعالیت‌های توسعه‌ای را به همراه می‌آورد یک فاجعه است. آنهم فاجعه‌ای که نظیرش را این ملت ستمدیده یکبار تجربه کرد و عواقب ناشی از آنرا بمدت ۲۵ سال سیاه تحمل نمود. پس، در قبال سیاستهای منطقه‌ای باید از دیپلماسی اصولی استفاده کرد. همچنین بجای احیای یک ارتش قدرتمند، باید به بازسازی ارتش فقط در حد حراست از مرزها، اکتفا نمود، آنهم با کیفیتی که نه احتمال کودتا را ایجاد کند و نه بر فعالیت‌های توسعه‌ای خدشه وارد سازد.

دکتر عباس اصلرایی (اشکوری)

**در تبعیت از سیاستهای منطقه‌ای احیای ارتش قدرتمند، یک فاجعه است**

۱- ارتش باید زیر نظر نخست‌وزیر عمل کند و انجام فعالیت‌های نظامی باید به تصویب مجلس مقننه پرسد.

۲- با تفکیک مدیریت از تخصص، ریاست فائده‌قوای سه‌گانه ارتش باید تحت نظر یک وزیر دفاع غیر نظامی که در کابینه مسئول در برابر مجلس مقننه عضویت دارد، قرار بگیرد.

۳- فرماندهی قوای سه‌گانه باید بمسئله شورا‌های فرماندهی گذاشته شود.

۴- با توجه به لزوم غیرمتمرکز کردن حکومت در ایران و تفویض اختیارات به ایالات، قوای نظامی ارتش باید در ایالات پراکنده و دارای خصوصیات ذیل باشد:

- مشمولین هر ایالتی دوره خدمت را در همان ایالت سپری نمایند.

- نظامیان هر ایالتی در احراز مقامات فرماندهی قوای نظامی مستقر در ایالت اولویت داشته باشند.

- فرماندهی در کلیه سطوح از طریق شورا‌های فرماندهی صورت بگیرد.

- اقدامات مشترک ایالات در زمینه‌های نظامی، در موارد مربوط به حراست از مرزهای کشور، از طریق شورای مشترک قوای نظامی ایالات بعمل آید.

۵- نسبت تعداد افراد گارد به وظیفه باید تغییر کند تا اهم نیروهای رزمنده را افراد وظیفه تشکیل دهند که این اکثریت، باتوجه به خصوصیات فردی و طبقاتی آنان و غیر دانسی بودن خدمتشان ارتش را از حالت یک نیروی بالقوه کودتاکر خارج خواهد کرد.

۶- به نظامیان باید حق فعالیت سیاسی داد تا ضمن قرارگرفتن در جریان امور بهیچوجه نتوان از آنها بعنوان یک عامل سرکوب ملت استفاده نمود.

۷- قوای انتظامی نظیر پلیس و ژاندارمری باید بکلی

در بررسی خود نتیجه گرفتیم که اگر جابجایی‌های قدرتی در منطقه ایران را ملزم به موضع‌گیری نماید، چنین کاری را نباید از طریق ایجاد یک ارتش قدرتمند انجام داد. این سؤال مطرح میشود که در عوض چه باید کرد؟ به این سؤال از همان سه دیدگاه فوق پاسخ میدهم.

**دیدگاه اول:** برای جلوگیری از درگیری در سیاستهای نظامی در منطقه چه باید کرد؟

قبل از هر چیز باید از تبعیت از سیاستهای منبعث از فعالیت‌های ابرقدرتها برای تعدیل موازنه در این منطقه خودداری نمود. باین عبارت که، بخصوص با توجه به ناپسامانتهای عد از انقلاب، رژیم جدید ایران بهیچوجه نباید دست به فعالیت‌های عملی یا نظامی در منطقه و یا حمایت از بعضی از گروه‌ها در ممالک این منطقه بزند. عبارت دیگر، ایران نباید در امر همسایگان و یا سایر جوامع موجود در منطقه دخالت نماید. بعنوان نمونه، ایران نباید تحت تاثیر این خبر که احتمال مداخله نظامی غرب در خلیج فارس وجود دارد موضع گیری کند و بسوی درگیریها یا قراردادهای نظامی کشانده شود. در عوض، ایران باید موضع بیطرفی را اتخاذ کند که قدمهای ذیل در این زمینه پیشنهاد میگردد:

۱- اعلام عدم تمهد و نشان دادن آن در عمل.

۲- منظور کردن اصول تضمین‌کننده عدم تمهد در قانون اساسی جدیدی که در دست تدوین است.

۳- فعالیت مجددانه در سازمان کشورهای غیرمتعهده که عضویت در آن مشروط به داشتن موضع بیطرفانه در قبال سیاستهای ابرقدرتهاست.

۴- استفاده از دیپلماسی اصولی بجای اقدامات نظامی که این البته مستلزم خانه‌تکانی اساسی در وزارت خارجه بقصد بکار گماردن دیپلماتهای ملی، متعهد، قابل اعتماد و مجرب در آن است.

**دیدگاه دوم:** برای جلوگیری از تبدیل ارتش به یک نیروی بالقوه کودتاکر چه باید کرد؟

اگر حراست از مرزهای ایران بازسازی ارتش سه‌احیای

معلمین متحصن در بانک فرهنگیان

# ماخواستار ابقاء بانک فرهنگیان هستیم

- وام بانک فرهنگیان بجای رفاه معلمین در خدمت سرمایه داران است.
- تحصن معلمین در بانک فرهنگیان وارد نیستیم روز خود شد.
- از ۱۲۲ میلیارد تومان سرمایه بانک، ۷۲ میلیون تومان توسط فرهنگیان پرداخت شده است.

تحصن معلمین در بانک فرهنگیان شعبه مرکزی وارد نیستیم روز خود شد.

نماینده متحصنین در گفتگویی با خبرنگاران پنجم آذر ملت تحصن معلمان را توضیح داد:

هفته گذشته که عده‌ای از متقاضیان برای گرفتن وام به بانک مراجعه کرده بودند، بابتی اعتراضی کارکنان بانک روبرو شده و پانزده روزی که مثل شاگردان ما هستند با ۲۰-۳۰ مارا از بانک بیرون کردند. روز شنبه ۶ مرداد سهامداران و معلمان آموزش و پرورش را دعوت کردیم تا تکلیف خودمان را روشن کنیم.

حدود هزار نفر در بانک فرهنگیان شعبه مرکزی اجتماع کردند و قطعنامه‌ای را تنظیم کردیم و طی آن خواستار سیاستی نوین در جهت رفاه طبقات محروم شدیم.

نظریه اینکه تمامی سرمایه این بانک توسط فرهنگیان پرداخت گردیده است، بنابراین ماخواستار ابقاء بانک و تغییر نام آن به بانک رفاه فرهنگیان شدیم. امور بانک باید بوسیله شورای کارکنان بانک تحت نظارت نمایندگان فرهنگیان اداره شود. چون سیاست گذشته بانک کاملاً مغایر با مسائل رفاهی فرهنگیان بود و رفاه در خدمت سرمایه‌داران وابسته به رژیم اسبق بوده لذا ما خواهان بررسی و رسیدگی وضعیت مالی گذشته بانک هستیم تا اگر حریف و میلی‌سور گرفته باشد مسئولین مربوطه مورد محاکمه قرار گیرند. بانک رفاه فرهنگیان باید در جهت تامین وام مسکن برای کلیه فرهنگیان با حداقل کارمزد اقدام عاجل نماید و شاغلین و بازنشستگان فرهنگی با شرایط یکسان از امکانات دریافت وام برخوردار باشند و حقوق کلیه فرهنگیان اعم از شاغلین و بازنشستگان توسط بانک پرداخت شود. شرط محدودیت زهرنا و نوع ساختمان برای وام گیرنده حذف گردیده و مدت بازپرداخت وام ۲۰ سال منظور گردد. پس از فوت وام‌گیرنده مانده هیچ‌گونه حقی نسبت به اقساط معوقه از خانواده وام‌گیرنده نداشته باشد. و قطعنامه یکصدتایی قبول شد. پس از انتخاب نمایندگان که در رابطه با دولت بابتی توجهی به آن روبرو شد، آخرین امید فرهنگیان را که بانک رفاه بود از آنها گرفت.

ما احساس کردیم که دست استثمار در کار است و می‌خواهد معلمان را به خاک سیاه بنشانند. احساس کردیم که در اینجا بایستی قیام کرد و در مقابل بی‌توجهی دولت ایستاد و حق مشروع خودمان را از دولت بگیریم. پس از تبادل نظر تصمیم به تحصن گرفتیم. متحصنین از کودکان ۵ ماهه تا پیر مرد ۸۵ را شامل می‌شود که برخی از کودکان مبتلا به سرخک و حبسه هستند. خلاصه در تلفنی که با دفتر نخست وزیری داشتیم به ما امانت کردند و گفتند: شما مگر می‌توانید یک معلم بیشتر نیستید. بروید پی کارتان. ما فرهنگیان که از دولت بی‌مهری دیدیم. گردهمایی تشکیل دادیم تا فریادمان را به گوش ملت مبارز ایران برسانیم. روز یکشنبه جریان را روزنامه‌ها نوشتند و آنگاه از نخست وزیری تلفن کردند و گفتند که سعی کنید افسراد و گروه‌های ضد دولتی وارد جریان نشوند تا ما به خواسته‌هایتان رسیدگی کنیم.

وقول دادند که با ابرو الفضل بازرگان (برادر زاده مهدی بازرگان) معاون نخست وزیری صحبت کنیم. وقتی مراجعه کردیم جلسه فوق‌العاده داشتند. قرار گفتگو در مورد خواسته‌هایمان با نخست وزیر بازرگان گذاشته شد. انگیزه تحصن را به اطلاع رساندیم و گفتیم که کلیه سرمایه این بانک از خون معلم گذاشته شده و مال معلم و متعلق به معلم است و باید در خدمت رفاه معلم باشد. آقای بازرگان از ما قصد سازشکاری داشتند و گفتند اگر ما ۸۰ درصد خواسته‌هایتان را اجرا کنیم، دست از تحصن برمی‌دارید؟ جواب دادیم ۲۰ درصد و ۸۰ درصد کدام است؟ گفتند: ۸۰ درصد وام مسکن است که از طریق بانک رهنی یا بانک ملی با شرایط ساده فراهم می‌کنیم. ۲۰ درصد موجودیت است که هیئت دولت و شورای بانکها و وزارت دارایی و اقتصاد بایستی تصمیم بگیرند. و این مستلزم وقت زیادی است. آقای بازرگان خواستند که ما راهپیمایی نکنیم و تحصن را بشکنیم. ما در جواب گفتیم: بخاطر جوکونی جامعه راهپیمایی نمی‌کنیم ولی به تحصن خودمان تا جواب دولت ادامه می‌دهیم.

تاکنون بانک معلمان پیشگام، بانک مستقل معلمان - بانک صنفی معلمان و بانک‌های مختلف از ما پشتیبانی کردند و عده‌ای دیگر از همکارانمان به ما پیوستند: از شهرستان‌های تبریز - زنجان - اصفهان - مشهد - رودسر - قزوین و گنبد هبستگی خود را اعلام کردند. ما در سراسر ایران ۴۰۰ هزار معلم هستیم که در زمان طاقوت تنها به هزار نفر از ما وام مسکن دادند و بقیه را به سرمایه‌داران دادند.

## گزارشی از سابقه و وضع فعلی بانک فرهنگیان

در مرداد ماه ۱۳۵۶ بانک فرهنگیان ایران با ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان افتتاح شد. ۶۰٪ سرمایه این بانک از سوی فرهنگیان کشور از طریق سهام پرداخت شد. ۴۰٪ بقیه را دولت متعهد پرداخت سرمایه آن شد. این بانک بخاطر سرمایه زیاد آن در طول

# قانون وکلای دادگستری استقلال جامعه وکلای در گرو استقلال ایران است

● قانون وکلای، سنگر و جبهه دفاع از حقوق اجتماعی مردم است.

«قانون وکلای که از سالها پیش وکلای رسمی در جهت تشکیل آن مبارزه کرده‌اند، امروز به قانون فعالیت‌های قضایی برای احقاق حقوق دمکراتیک مردم تبدیل شده است. این قانون با تاریخ گسترده مبارزاتی غسود نشان دهنده تلاش وکلای پیشرو برای مستقل کردن کاروکالت از «قوه مجریه» که همیشه وسیله اعمال قدرت حکومتها بوده و هست، می‌باشد.

برای معرفی فعالیتها و مبارزات قانون وکلای چه پیش از شروع مبارزات مردم در سال ۵۶ و چه بعد از آن گفتگویی با دکتر هدایت‌الله متین دفتری نایب‌الرئیس قانون وکلای داشتیم که در زیر می‌خوانید:

## در مورد سال تاسیس و اینکه قانون فعالیت‌های خود را چگونه و با چه انگیزه‌ای شروع کرد توضیح دهید

پیدایش وکالت در دادگستری را از روزگاری می‌توان دانست که دیگر اختلافات مردم بزور و قدرت حل و فصل نمی‌گردید. با استقرار حکومت قانون در اجتهادات برای رفع اختلافات همانطور که وجود قاضی از هر جهت ضروری است وجود وکیل هم در کنار قاضی ضرورت دارد. قاضی و وکیل دو بازوی عدالت هستند که باید در یک جهت و برای رسیدن به یک هدف مجاهدت و تلاش نمایند و آن اجرای عدالت و اظهار حقیقت است پس اولین وظیفه هر وکیل حق‌طلبی است.

قوانین و مقررات هیچگاه آنقدر سریع و روشن نیست که با چند ماده قانون و یا چند دستور قضایی بتوان اختلافات بی‌حد و حصر مردم را به آسانی حل نمود پس هر جا که قانون وجود دارد قهر وجود قاضی برای تفسیر قانون و تطبیق آن با حق لازم است و هر جا که قاضی باشد وجود وکیل برای دفاع از حق مدعیان لازم و ضروری است. مدعیان حق همواره سائق خود را با حقوق واقعی خویش اشتباه میکنند در این صورت مابین قاضی و مردم و مابین قاضی و دولت باید کسانی که حرفه آنها دفاع از مردم و عدالت باشد قرار گیرد. تا این وظیفه را در نهایت شرافت و دقت انجام دهند. و این اولین دلیل لزوم وجود وکیل دادگستری است ولی تنها دلیل نیست، پیدایش حرفه وکالت در کشور ما بی‌شبهات به سایر کشورهای نیست. قبل از انقلاب مشروطیت قضاوت و دادرسی زیر نظر حاکم شرع و علما و روحانیون قرار داشت و مراجعات مردم در محضر مجتهدین و مراجع شریعی طرح و حل می‌شد. عده‌ای به‌عنوان وکیل وارد کار شدند ولی حرفه و شغل رسمی آنان وکالت نبود بر سبیل اتفاق به دفاع می‌پرداختند.

پس از انقلاب مشروطیت، حرفه وکالت روال جدیدی را پیدا نمود تا اینکه از شوال ۱۳۳۲ مقرر شد که وکلای برای امکان شرکت در محاکم قبلاً امتحان دهند و تصدیق‌نامه بگیرند و علاوه بر آن مقرر شد که نسبت به امانت و شرافت وکیل نیز تحقیق به عمل آید ولی چون نحوه تنظیم این مقررات مورد قبول کسانی که تا آن زمان به حرفه وکالت مشغول بودند نبود. پس از اظهارات متعدد بالاخره در سال ۱۳۳۶ شمسی نظام‌نامه‌ای تحت عنوان نظام‌نامه امتحان وکلای رسمی عدلیه تنظیم شد و این اولین قدم در جهت تشکیل قانون وکلای بود ولی چون این نظام‌نامه هنوز آن آزادی لازم را برای حرفه وکالت تامین نمی‌کرد با مبارزات بنده و وکلای به منظور دریافت استقلال بیشتر در جهت اداره امور خود روبرو گردیدیم تا بالاخره در تیرماه سال ۱۳۴۰ شمسی برای اولین بار مجمع وکلای رسمی عدلیه تشکیل

انقلاب مبلغ ۵/۵ درصد سرمایه خود سود داد. بخاطر نقص مدیریت یا سوءمدیریت اعتبار به افرادی داده شده که صلاحیت نداشتند. با اینکه اساسنامه بانک متعهد است در راه خدمت به فرهنگیان کار کند، ولی بانک توسط مدیران طرف تجارت و سرمایه‌داران بزرگ کشیده شد.

قبل از انقلاب مدیر بانک فردی بنام بهمن بهزادی بود که قبل از آن مدیر بانک تهران بود و بخاطر دوستی با نصیری، هویدا و ثابتی این پست را گرفت. در زمان انقلاب کارمندان وی را بیرون کردند. سپس از طرف دولت آفانمی بنام رفعت به ریاست بانک منصوب شد که بعلت کینه قلبی از کار بانک صرف‌نظر کرد. بعد نیز دکتر علی‌اکبر مدنی با حمایت شکوهی وزیر آموزش و پرورش به ریاست بانک رسید. وی علناً با شوراها و سندیکاها مخالفت می‌وزید و با توطئه و ایجاد اختلاف در بانک شورای واقعی بانک را به انحلال کشاند. او نماینده کارمندان را مجبور به استعفا کرد تا اینکه در حدود ۱۳ روز پیش، پس از ۲ ماه برخورداری داخلی و مراجعات مکرر فرهنگیان، کلیه رؤسای ادارات بانک در یک مجمع اعلام کردند که حاضر به همکاری با ایشان نیستند و ایشان از فردای آنروز به بانک نیامدند و هنوز هم استعفا ندادند. در وضعیت فعلی بانک یک شورای موقت دارد که تا ۲۰ روز دیگر شورا مهلت دارد که انتخابات جدید را برگزار کرده و سپس کنار رود.

بانک فرهنگیان ۱۷۰۰ کارمند با ۲۵۰ شعبه در سرتاسر ایران دارد. این بانک وام با بهره ۱۲ درصد را بجای دادن به فرهنگیان در اختیار شرکتها و بخشهای مختلف می‌گذاشته است که برخی از آنها شرکتها یا تعاونی هستند مانند هذیش - ایران‌شاره - زیست‌ایران و شرکت گاز و چهاردیوار که با آقای بهزادی رئیس سابق بانک ارتباط نزدیک داشته و وامهای ۱۳۰ و ۳۰۰ میلیون ریالی دریافت کرده است. این بانک تنها به ۱۰۰۰ فرهنگیان وام مسکن داده است. تعداد فرهنگیان در ایران ۴۰۰ هزار نفر است. بانک به یکی از بازاریبان نیز ۱۰۰ میلیون تومان وام داده است. یکی از مشکلات این بانک در حال حاضر آنست که نمیتواند طلبهای خود را وصول کند.

گردید و با تغییر نظام‌نامه هیئت‌مدیره‌های مرکب از ۶ نفر برای اداره امور وکلای در تهران تشکیل گردید و بالاخره پس از استقلال عدلیه در سال ۱۳۰۵ و شروع تشکیلات جدید مقدمات شکل‌دادن به سازمان جدیدی برای وکلای دادگستری فراهم شد و تاسیس آن به نام قانون وکلای در سال ۱۳۰۹ بوجود آمد. ولی این قانون تحت نظارت وزارت دادگستری اداره میشد و مطیع و مجری نظام‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های آن وزارتخانه بود، تا اینکه با تصویب قانونی بنام قانون وکالت در سال ۱۳۱۴ برای اولین بار مقرر شد که رئیس قانون را وزارت عدلیه از بین وکلای دادگستری تعیین نماید. اما با وجود اینکه قانون دیگری در سال ۱۳۱۵ تنظیم شد هنوز هیئت مدیره قانون وکلای توسط وزیر دادگستری تعیین می‌گردید و این قانون کاملاً تحت نظارت آن وزارتخانه اداره میشد.

بدون استقلال قانون وکلای نمیتوانست وظایف اجتماعی خود را انجام دهد

اصولاً با توجه به اینکه تشکیلات قانون وکلای در دورانی شکل می‌گرفت که دیکتاتوری رضاخانی بر کشور سایه افکنده بود، کاملاً مشخص است که حرفه وکالت هم نمی‌تواند دارای استقلال باشد و آنطور که باید و شاید تکالیف اجتماعی خود را دور از کنترل دولت انجام دهد. پس از سقوط آن حکومت یعنی از شهریور ۱۳۲۰ تا دوران پرشکوه نهضت ضد امپریالیستی ملی کردن نفت به رهبری دکتر مصدق اقدام موثری در جهت استقلال قانون وکلای از طرف وزیر دادگستری یعنی قوه مجریه انجام نگرفت. تا آنکه بر قوه مجریه در اینجا ضروری است زیرا قوه مجریه خود حکومت است و حکومت هم در ایران همیشه یکی از منشاءهای ظلم و حق‌کشی بوده است.

## تحول قانون وکلای در نهضت ملی کردن نفت

با اوج گرفتن نهضت ضد امپریالیستی ملی کردن نفت و با اعتقاد عمیق مصدق به استقرار نهادهای دمکراتیک در جامعه و احترام به حقوق دمکراتیک مردم و حفظ و حراست این حقوق قانون وکلای با تحول بسیار متری جدیدی روبرو گردید. در اینجا بود که در جهت اهداف نهضت و ساختن نهادهایی که برای همیشه بتواند بصورت اهرم در جهت محو کامل امپریالیسم کمک کرده و ضامن حقوق مردم باشند مصدق با استفاده از اختیاراتی که از مجلس گرفته بود به موجب لایحه‌ای برای اولین بار در تاریخ قضایی کشور ما موجبات استقلال قانون وکلای را فراهم کرد. در اینجا لازم است از لطف وزیر دادگستری حکومت ملی آن نهضت یاد کنیم زیرا او بود که با صداقت و دقت و شهامتی که لازمه یک مبارز واقعی است نهضت را در جهت بوجود آوردن قوه قضائیه آزاد و پاک و مستقل اجرا می‌کرد و مقدمات استقلال قانون وکلای را فراهم آورد. در مورد تاسیس اقدامات لطفی وزیر دادگستری و یار مصدق همین‌س که پس از کودتای فتنگین ۲۸ مرداد عده‌ای از اوباش و ایادی ظلم و دیکتاتوری همراه با آن کسانی که بعنوان عمده ظلم و استبداد دادگستری ایران را سالهای سال مسخ نموده بودند و توسط لطفی از این دستگاه جابو شده بودند به منزل این بزرگ‌مرد حمله کردند و آنچنان وی را مضروب و مصدوم نمودند که دیگر لطفی نتوانست کمر راست کرده و به همین علت زندگی را بندود گفت. جای بسی تأسف است که تاکنون هیچگونه اقدامی در جهت مجازات و تعقیب کودتاچیان و اوباشی که پس از آن کودتای فتنگین مرتکب هر نوع تجاوز به ایرانیان شرافتمند و مبارز شدند و زمین‌ها را برای استیلاي اختناق ۲۵ ساله فراهم کردند نشده است.

لطفی تنها نبود که این‌گونه مورد تجاوز قرار گرفت بلکه تجاوز به لطفی هابقیه‌های بود برای تجاوز و امحاء کلیه نهادهای و حقوق دمکراتیکی که بر اساس فرمانروایی و فرمانفرمای مردم و به رهبری مصدق بوجود آمده بود و یا آنکه در حل شکل گرفتن بود. باید دانست که محو کامل امپریالیسم بدون داشتن آزادی و استقرار آن و یافتن و توسعه حقوق دمکراتیک و نهادهای پاسدار آن کلری است پس مشکل و امپریالیستها و عملجات آنان این را خوب میدانند و به همین علت هم پس از کودتای فتنگین ۲۸ مرداد اولین قدمشان در جهت امحاء میراث دمکراتیک مبارزات خلقها بود.

با توجه به این مقدمه لایحه قانونی استقلال قانون وکلای بالاخره توسط کمیسیون که به این منظور مرکب از وکلای دادگستری تشکیل شده بود تنظیم و تدوین گردید و در تاریخ ۷ اسفند ماه ۱۳۳۱ به امضاء مصدق رسید و قدرت قانونی یافت و در همین اسفند ماه اولین بار رئیس قانون که تا آن تاریخ وزیر دادگستری بود توسط خود وکلای و از بین وکلای انتخاب شد و سید هاشم وکیل بعنوان اولین رئیس قانون وکلای مستقل شروع به کار کرد. یکی از مهمترین هدفهای قانون وکلای معاضدت قضایی است. معاضدت بدین معنا که این قانون به موجب قانون و بر اساس اصول و معنویاتی که مستلزم انجام امور حرفه‌وکالت است باید در جهت احقاق حقوق مستمیدگان و زحمتکشان و کلیه کسانی که امکان مادی برای پرداخت حق‌الوکاله ندارند اقدام نماید. یکی دیگر از زیرنامه‌های قانون وکلای معرفی تعدادی از وکلای به هر یک از دادگاههای جنایی و جنحه در سراسر کشور است تا این وکلای دفاع رایگان متحمین را بعهده بگیرند.

## قانون وکلای پس از کودتا

پس از کودتای فتنگین ۲۸ مرداد حکومت کودتا، تیشه به سمت گرفت و به ریشه کلیه نهادهای دمکراتیک نوهای دوران حکومت ضد امپریالیستی مصدق زد و پس از کودتا دیگر حتی غمی از انجمن های دهات و شوراهای دهستان و بخش و شهرستان و یا شوراهای عالی قضایی و استقلال قوه قضائیه و یا تشکیل انجمن های شهرداری و شهر و یا حق شرکت بانوان که در آن دوران در انتخابات اینگونه انجمن‌ها و دادن رای که در آن دوران در نظر گرفته شده بود برده نمردند اما استقلال قانون وکلای به دلیل استقامت وکلای و سایر ملل ۷ در صفحه



# وابستگی اقتصادی ایران و بحران بیکاری

● حل مسأله بیکاری فقط از طریق قطع وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی، و کوشش جهت ایجاد یک اقتصاد مستقل و ملی امکان پذیر است.

برخلاف آنچه این روزها اظهار می‌گردد مشکل بیکاری در این سطح وسیع ناشی از انقلاب نبوده بلکه دقیقاً مردم مستعبد شده انقلاب کردند تا بیکاری هزاران فارسی‌تبار و وابستگی‌های این جامعه را که توسط امپریالیستها و نوکران داخلی‌شان بوجود آمده بود، از میان بردارند. و اگر واقعا تمام وابستگی‌های کشور به امپریالیستها قطع گردد، آنگاه روشن می‌گردد که کشور ما چقدر عقب مانده می‌باشد و برای جبران این عقب ماندگی چه نیروی عظیمی باید بسیج گردد و معمولاً در کشورهایی که در آنها انقلابات اجتماعی صورت می‌گیرد هیچگاه رهنمود رهبران انقلاب و نمایندگان دولت به مردم نه تحمل مشقت‌های بیکاری بلکه تسویق درگیر شدن و کار کردن هرچه بیشتر برای از بین بردن این عقب ماندگی‌ها و بازسازی جامعه بوده است.

در نهایت مشکل بیکاری در کشور مانا می‌باشد از ۲ دلیل عمده می‌باشد. اولاً این مسأله بواسطه عقب ماندگی اقتصادی اجتماعی این جامعه بوجود آمده است.

کشاورزی عقب افتاده صنعت و رشکسته روابسته وجود روابط پوسیده و عقب مانده اقتصادی هیچگاه بما اجازه نمی‌دهد که تمام نیروهای ممکن جذب بازارهای کارگردند. ناچار رژیم وابسته پهلوی و اربابان فاسد طریق وابسته نمودن چرخهای اقتصاد کشور از آن در جهت بکف آوردن منافع آزمندانانه خویش استفاده می نمودند و این روشن است که آنها فقط از نیروی کار مردم در آن زمینه های محدودی که نیاز داشتند استفاده می نمودند و ناچاراً میلیونها تن از مردم ما پاینده این واسطه بیکاری نمان یا آشکارا بسر برند. خلاصه کنیم مسأله بیکاری در این کشور از دو عامل عقب ماندگی اقتصادی و پیوستگی روابط تولیدی این کشور و همچنین وابستگی تام و تمام اقتصاد ایران به امپریالیستها ناشی گردیده است.

از طرف دیگر امپریالیستها و رژیم گذشته برای گرداندن دستگاه های عریض و طویل اداری و بوروکراسی خود نیاز به افراد تحصیل کرده می داشتند و از این رو بود که با گسترش دبیرستانها و در بخش محدود دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور دست به تربیت این افراد زدند و همچنین با گذاردن مینای استخدام برداشتن مدرک بسیاری از جوانان این کشور را برای کسب حقوق بهتر و زندگی مرفه تر به سمت گرفتن مدرک بالاتر سوق دادند اما در آینده رژیم متوجه گردید که قادر نیست از تمام این نیرو در این بوروکراسی استفاده کند. و غمناکانه است که مدارس عالی کشور نتوانستند تا تبدیل به کارخانه های آرماسازی برای کنترل و هدایت دستگاه پوسیده

# روستائیان در اتحادیه رنجبران ایرانشاه متشکل میشوند

● روستائیان ایرانشاه از سازمانهای مترقی خواستار کمک شدند.

روستائیان در سراسر ایران «شوراهای دهقانی» تشکیل میدهند. آنان می‌خواهند اینبار واقعا زمینداران خود را روستائیان تقسیم کنند. آنان میدانند که اصلاحات ارضی شاه تنها زمینها را حقیقتاً به زارعین واگذار نکرد بلکه دست فئودالها را هم از زده کوتاه نکرد و اکنون روستائیان می‌خواهند با تشکیل شوراهای خود به مبارزه با فئودالها و مرتجعین دیگر بپردازند. بطور نمونه نامه‌ای از روستائیان «ایرانشاه» بدستمان رسیده که طی آن انگیزه و چگونگی تشکیل اتحادیه رنجبران ایرانشاه را نوشته‌اند. در این نامه می‌خوانیم: ما اهالی روستای ایرانشاه چندی پیش شورای خود را تشکیل دادیم تا بهتر بتوانیم با فئودالها، عناصر مرتجع، عوامل ضد خلقی و سازشکاران مبارزه کنیم. اکنون برای تقویت بیشتر خود در مقابل عناصر مذکور، برای بسال بردن آگاهی همه زحمتکشان روستا، و همچنین برای کمک به زحمتکشان روستاهای اطراف تصمیم به تشکیل «کوری رنجبرانی ایرانشاه» (اتحادیه رنجبران ایرانشاه) گرفته‌ایم. روستائیان زحمتکش با شرکت در این «کوره» میتوانند مشکلات خود را با هم مطرح کنند و راه حل آنها را پیدا کنند. ما از گروههای مترقی میخواهیم به صورتی که میتوانند به ما در تشکیل و ادامه فعالیت این «کوره» کمک کنند. نحوه فعالیت کوری رنجبران به صورت زیر است:

- ۱- همه زحمتکشان روستا میتوانند در این کوری یا اتحادیه شرکت نمایند. اما از شرکت عناصر مرتجع و سازشکار بخصوص
- ۲- حداقل سن افراد شرکت کننده ۱۲ سال است.
- ۳- در کور هر کسی باید آزادانه و بی پرده نظرات خود را مطرح کند و در جهت پیشرفت فعالیت کور اقدام نماید. افراد گروههای مترقی، باید در آگاه کردن سایر زحمتکشان روستا نسبت به مسائل مختلف کوشا باشند. از جمله اقدامات فریبکارانه عناصر مرتجع را بر ملا کنند و فکر برادران زحمتکش خود را نسبت به آنچه که در اطرافشان اتفاق می‌افتد روشن نمایند.
- ۴- اعضای کور باید فعالانه در امور مربوط به زحمتکشان روستا شرکت نمایند و تا آنجا که می‌توانند کور را تقویت کنند.
- ۵- برای تصمیم گیری در امور مربوطه، جلسه بحث و تبادل نظر تشکیل می‌شود. این جلسات قبلاً به اطلاع اهالی ده میرسد تا همه اعضا بتوانند در آن شرکت نمایند. تصمیمی که توسط اعضا حاضر در این جلسه میگیرند، تصمیم کور خواهد بود و لازم است سایر اعضا به آن احترام گذارند و آنرا اجرا نمایند.
- ۶- اگر کسی کاری بر خلاف منافع زحمتکشان ایرانشاه، و بضرع عناصر مرتجع انجام دهد، در جلساتی مانند آنچه موقفاً گفته شد راجع به باقی ماندن یا اخراج او تصمیم گرفته خواهد شد.
- ۷- کوری رنجبران ایرانشاه از پشتیبانی مادی و معنوی نیروهای مترقی، از فعالیتهای فرهنگی و آموزشی سیاسی و خدماتی و از هر اقدامی که بضرع اهالی زحمتکش روستا باشد، استقبال می‌نماید.

## جلال‌الدین ملک‌شاه - سنجند. آنان می‌آیند.

آنان می‌آیند و نان و ترانه تقسیم می‌کنند شب مثل یخ در جام بلور خورشید ذوب می‌شود! در دستهای آنان چراغی می‌سوزد سرخ است، مثل خون روشن چو آفتاب در دستهای آنان قلب‌هاشان می‌سوزد!

این صدای کبک است؟ نه، کلاشینکف است می‌خواند در کوستان!

بگذار، گلوله‌ها را به حافظه بسپارم روزی هر گلوله واژه‌ای خواهد شد و شاعران واژه‌ها را سرود می‌کنند!

آنان می‌آیند و مرگ، چون جفدهای رمیده از پیش پایشان پرواز می‌کند آنان می‌آیند و خورجین‌هایشان پر از نان و ترانه است. آنان می‌آیند و آزادی را مثل نقل و نبات میارزودگان روستا تقسیم می‌کنند!

وقتی بر درخت مشربک بره شکوفه‌های پیروزی روئید آنگاه آنان می‌آیند در دست هر کدام هرفنگ، گلی خواهد شد و آنان، تمام گلها را، برگیسوان دختران فقیر می‌زنند آنان می‌آیند و نان و ترانه تقسیم می‌کنند!

## کاروان پیشرو صنایع فولاد:

### عوامل کارفرما در کارخانه توطئه میکنند

کارگران پیشرو صنایع فولاد در رابطه با وقایعی که در کارخانه اتفاق افتاده است اعلامیه صادر کرده است در این اعلامیه به خرابکاری عناصر مرفرضی که با توطئه می‌خواهند بین صفوف کارگران تفرقه بیندازند اشاره شده است. در این اعلامیه آمده است: دوستان و برادران کارگر:

وقایع تکانه‌دهنده‌ای که چند روز گذشته از طرف عناصر غیر مسئول و مرفرض در کارخانه ما اتفاق افتاده، بدون شك دنباله توطئه هائلی است که بر علیه کارگران مبارز و آگاه در کلیه کارخانه‌ها پانچرا در آمده است. یکرور در کارخانه نورد و رور دیگر در نوب آهن اصفهان و دهها نمونه دیگر که کارگران بخوبی نسبت به آنها آگاهند. اینها همه این سنوال را برای ما کارگران پیش آورده که برامستی این توطئه‌ها از آستین چه کسانی بیرون می‌آید؟ تفرقه در صفوف کارگران و ایجاد دودستگی در میان ما به نفع چه کسانی تمام میشود؟

بدون شك این کارگران نیستند که چنین توطئه‌هایی را طرح ریزی میکنند، بلکه این دشمنان قسم خورده طبقه کارگر - یعنی سرمایه‌داران و عوامل وابسته و سرمهرده آنها - است که امروز سعی دارند، پیروزی‌هایی را که کارگران به قیمت خون هزاران شهید و پیشروانه خارج سازند.

وقایع اتفاق افتاده در چند روزه اخیر در کارخانه ما، تنها شك برده‌ای از نمایش شوم ضد کارگری سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و جیره‌خواران آنهاست.

و «دفاعی» خود فروش که با اصطلاح نماینده کارگران می‌باشد، بخوبی میداند که با پانده مزدورش چگونه این توطئه را رهبری کند. او و دارودسته‌اش که آنی از منافع سرمایه‌داران دزد و دزدباز کارخانه غافل نمی‌مانند، کارگران را ابتدا به پنهان حقیقتی و لئو جریسه (در برابر هر روز قیامت یکساعت و نیم جریسه) جمع نموده و سپس با مملوت و توطئه از پیش طرح شده را به مرحله اجرا درمی‌آورد. و تمجب آور نیست که مبارزترین و فداکارترین دوست کارگران - یعنی ناصر خاکسار - هدف اصلی چنین دسیسه فاجعه‌آمیزانه‌ای قرار میگیرد. همکاری هر کارگر زحمتکش و رنج کشیده‌ای خود می-

تواند دهانمونه از فلاشهای او را در جهت احقاق حقوق ضعیف شده کارگران بیاد بیاورد. آری برادران کارگر، امروز متأسفانه ما به عوض اینکه شاهد اخراج کثیفترین مزدوران رژیم گذشته - که در کارخانه ما کم نیستند - باشیم شاهد اقدامات حيله‌گرانه و سیمی بر علیه پاکبازترین و مبارزترین همکاران خود هستیم.

مسئله اینگونه اقدامات حيله‌گرانه به نفع کارگران نیست و آنها می‌دانند که به چنین اقدامات موزیانه‌ای متوسل میشوند از کارگران نیستند. زیرا کارگران امروز قاطعانه خواستار بیرون انداختن جاسوسان، توطئه‌گران و مزدوران وابسته به رژیم سابق که هم اکنون در مسند قدرت قرار دارند، میباشند. آنها که در سایه نفوذ ارتجاع، دزدانه بسوی قدرت خزیده‌اند، باید هم امروز چماق سرکوب به نجات کارخانه سفارش بدهند باید هم از کارگران آگاه و رهبران اعضا بپیشین، لیست سیاه تهیه کنند، باید هم با ایجاد دودستگی و تفرقه‌زینی را برای آشوب و برادر کشی بین کارگران فراهم کنند. و تمجبی هم ندارد که این توطئه‌ها در شرایطی طرح میشود که کارگران بیش از هر زمان برای بوجود آوردن شوراهای سندیکاهای واقعی خود به یکپارچگی و وحدت نیاز دارند. نیروی ویژه (این جانشین خلف ساواک در کارخانه) نیز فقط و فقط برای تکمیل چنین دسیسه‌ها و اقدامات شومی است که تشکیل میشود.

همکاران مبارز: همه بخوبی آگاهی که ما کارگران با هم دیگر هیچ اختلاف و کینه و ستیزی نداریم. اکثر ما کارگران همکار قدیمی هستیم، رتجبا را با هم کشیده و پشت به پشت هم مبارزه کرده‌ایم، پای یک سفره غذا خورده و زیر یک ستم قرار گرفته‌ایم، و بالاخره از برکت وحدت و یکپارچگی مان بود که توانستیم رژیم خونخوار و کارگر کش شاه جلاد را به زباله‌دان تاریخ بیندازیم. پس این کدام نیروی پلید است که امروز قصد بره‌زدن وحدت دشمن برانداز ما را دارد؟ کدام نیروی اهریمنی است که امروز میخواهد برادر کشی را بر ما تحمیل کند؟ ما کارگران مستعبد شده فولاد که در کوره انتصابات و قیام آبدیده شده‌ایم، بخوبی از ماهیت این نیروی پلید و هرزه آگاهی. سرمایه‌داران و خود فروشان کاسه‌لیس آنها - که محور اصلی چنین نیروی هستند - باید بدانند که اتحاد مقدس و آهنین ما کارگران یا چنین تحریکاتی از هم نمی‌پاشد. آنها باید بدانند که خشم آهنین کارگران روزی نامن آلوده‌شان را خواهد گرفت و در زیاده‌های آتش خود خاکسترشان خواهد نمود.

# راهپیمایی اعتراض به تعطیل «آیندگان» با تیراندازی هوایی پایان یافت

گروهی از مردم آزادیخواه پنج شنبه صبح، مقابل دفتر روزنامه آیندگان بعنوان اعتراض به تعطیل و توقیف چند تن از اعضای تحریریه آیندگان، اجتماع کردند.

این گروه با شمارهای آیندگان، روزنامه آزادگان، و «اختناق»، سانور، در دولت بازرگان» خواهان انتشار مجدد آیندگان شدند و در حال شمار گفتن بطرف دانشگاه تهران راه افتادند.

در این میان گروهی مهاجم با شمارهای ضد کمونیستی به صفوف راهپیمایی هجوم میبردند. اما جمعیت که تاکنون حرکتهای پی‌درپی و روزانه را در جامعه، زیربیم تازیانه‌های مرگ و شکنجه رواج داده بود، و حتی سانورشدگان را، دایم زیر بصر سرنیزه قرار می‌داد.

ارتجاع میلیتاریستی، از مردم ایران، يك منظره خالی از امید، خالی از اراده، خالی از درك و اندیشه برای خویش ساخته بود. و انقلاب آمده اینهمه را، نابود سازد. وزیرینای اینهمه مسترا که رشته‌های ارتباطی امپریالیسم در غارتگری مردم و سرزبوم ما بود، فرو ریزد.

حالا، بعد از انقلاب، کسانی که به قدرت رسیده‌اند، از مردم حق طلب، و در خوزستان، کردستان، و سراسر استانها می‌خواهند که انقلاب را فراموش کنند و به گذشته بازگردند. و به تمرکز قدرت در یک نقطه تسلیم شوند. و درین کار، از جنگ خانگی و ریختن خون مردمی که فقط در پی باز یافتن آرمانهای انقلابند، روگردان نیستند.

حالا بعد از انقلاب، کسانی که به قدرت رسیده‌اند به صورت شمار، و مقامه ادبی سیاسی شاگرد دبیرستانی، و تحریک اعصاب، نمایش انقلابی بودن می‌دهند، و در عمل می‌کشند، محتوای ذهن محبوب خود را جانشین تمام فرهنگ و دانش بارور جامعه سازند که هنوز چند صباحی نیست از سانور و اختناق میلیتاریست‌ها شده، که کتابها را خمیر می‌کردند و اندیشه‌ها را در شکنجه گاه‌ها، از مغزها می‌زدودند، یا با نمایش خشونت و ایجاد رعب، فکر کردن را از جامعه سلب می‌نمودند، و با کتابسوزان غش تر، که کدوک را در کتابفروشی سیار می‌سوزانند، و کتابخانه‌ها را و روزنامه فروشیها را وسیله آتشباری می‌انگارند، طرف هست، و با سانورچیان ناظر شرعیات، که سانور خود را «مقدس» تعریف می‌کنند.

و تمام این تجاوزها را به مرزهای حقوق طبیعی و انسانی مردم، به نام انقلاب انجام می‌دهند. و در حیرت‌ناکه چرا مردم، از اینهمه نمایش ضد انقلابی، و از اینهمه تحمیل جدید شادمانی نمی‌کنند و سراسیم نمی‌گذارند!

بحث از این است که تازیانه بدست‌ان جدید، سلاحشان رو به مردم است و سازش‌هاشان با عوامل خادم گذشته، و تلخ اینست که دارند با دستان خویش گور خود و آزادی و انقلاب را یکجا می‌کنند.

## انقلابی در حرف و ضد انقلابی در عمل

بقیه از صفحه ۱

ارتجاع میلیتاریستی، از مردم ایران، يك منظره خالی از امید، خالی از اراده، خالی از درك و اندیشه برای خویش ساخته بود. و انقلاب آمده اینهمه را، نابود سازد. وزیرینای اینهمه مسترا که رشته‌های ارتباطی امپریالیسم در غارتگری مردم و سرزبوم ما بود، فرو ریزد.

حالا، بعد از انقلاب، کسانی که به قدرت رسیده‌اند، از مردم حق طلب، و در خوزستان، کردستان، و سراسر استانها می‌خواهند که انقلاب را فراموش کنند و به گذشته بازگردند. و به تمرکز قدرت در یک نقطه تسلیم شوند. و درین کار، از جنگ خانگی و ریختن خون مردمی که فقط در پی باز یافتن آرمانهای انقلابند، روگردان نیستند.

حالا بعد از انقلاب، کسانی که به قدرت رسیده‌اند به صورت شمار، و مقامه ادبی سیاسی شاگرد دبیرستانی، و تحریک اعصاب، نمایش انقلابی بودن می‌دهند، و در عمل می‌کشند، محتوای ذهن محبوب خود را جانشین تمام فرهنگ و دانش بارور جامعه سازند که هنوز چند صباحی نیست از سانور و اختناق میلیتاریست‌ها شده، که کتابها را خمیر می‌کردند و اندیشه‌ها را در شکنجه گاه‌ها، از مغزها می‌زدودند، یا با نمایش خشونت و ایجاد رعب، فکر کردن را از جامعه سلب می‌نمودند، و با کتابسوزان غش تر، که کدوک را در کتابفروشی سیار می‌سوزانند، و کتابخانه‌ها را و روزنامه فروشیها را وسیله آتشباری می‌انگارند، طرف هست، و با سانورچیان ناظر شرعیات، که سانور خود را «مقدس» تعریف می‌کنند.

و تمام این تجاوزها را به مرزهای حقوق طبیعی و انسانی مردم، به نام انقلاب انجام می‌دهند. و در حیرت‌ناکه چرا مردم، از اینهمه نمایش ضد انقلابی، و از اینهمه تحمیل جدید شادمانی نمی‌کنند و سراسیم نمی‌گذارند!

بحث از این است که تازیانه بدست‌ان جدید، سلاحشان رو به مردم است و سازش‌هاشان با عوامل خادم گذشته، و تلخ اینست که دارند با دستان خویش گور خود و آزادی و انقلاب را یکجا می‌کنند.

### آگهی فقدان سند مالکیت

آقایان محمدصادق و هدایت‌اله (رضائی) فرزند مرتضی و محسن با استناد یکبرگ استخفاف محلی که هویت و امضاء شهرد رسماً گواهی شده مدعی است که سند مالکیت از شدت‌انگ یکقطعه زمین پلاک شماره ۲۳۹۷/۲۸۲۳ بمساحت نود متر مربع واقع در بخش ده ثبت غرب که در صفحه ۳۳۳ دفتر ۵۵۲ املاک ذیل ثبت ۸۲۴۱۲ بنام شعبانعلی (عابدینی) فرزند علی‌اکبر ثبت و صادر و تسلیم گردیده و بعد بموجب سند رسمی شماره ۵۴۵۳۲/۵۴۵۳۲-۱۷/۴/۴۰۴۵/۵/۱۷ دفترخانه ۲۷۸ تهران بسوا انتقال قطعی یافته و معامله دیگری هم انجام شده به بموجب سند ۱۷۲۹۱-۵۱/۸/۱۲ دفتر ۲۸۶ نزد بانک سپه رهن است نحوه گم شدن یا از بین رفتن بعلمت نامعلوم توضیحاً در تظاهرات از بین رفته مفقود شده است چون درخواست صدور المثبتی سند مالکیت نامبرده را نموده طبق تبصره يك اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب در دنوبت آگهی میشود که هر کس مدعی انجام معامله «غیر از آنچه در این آگهی ذکر شده» نسبت بآن یا و سود سند مالکیت مزبور نزد خود باشد از تاریخ انتشار آخرین نوبت این آگهی تازه روز باین اداره مراجعه و اعتراض خود را کتباً ضمن ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید تا مراتب صورتجلسه واصل سند بارائه‌کننده مسترد گردد.

اگر طرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود المثبتی سند مالکیت مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۴ شنبه ۵۸/۵/۱۰  
دوم شنبه ۵۸/۵/۲۰  
رئیس ثبت ناحیه غرب تهران جعفر صدیقی

## دعوت جبهه دمکراتیک برای راهپیمایی

بقیه از صفحه ۱

پیمای بزرگ اعتراض در روز یکشنبه ۲۱ مرداد ماه دست خواهد خورد. جبهه دمکراتیک ملی ایران از همه احزاب، گروهها، جمعیتها و کانونهای آزادیخواه و ضد ارتجاع دعوت می‌کند به این راهپیمایی به پیوندند و صدای اعتراض آزادی علیه اختناق را هر چه رساتر بگوش جهانیان برسانند محل تجمع: جلوی دانشگاه تهران ساعت ۶ بعد از ظهر یکشنبه ۲۱ مرداد میر: از دانشگاه تا نخست‌وزیری. جبهه دمکراتیک ملی:

از راهپیمایی جبهه دمکراتیک پشتیبانی می‌کنیم شورای همبستگی خلقهای ایران پشتیبانی خود را از راهپیمایی جبهه دمکراتیک ملی اعلام کرد و از تمام آزادیخواهان خواست که در این راهپیمایی شرکت کنند. دانشجویان روزنامه نگاری ایران و دانشجویان دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی طرفدار آزادی مطبوعات با انتشار اعلامیه‌یی از تمام گروههای مترقی دعوت کردند برای اعتراض به آزادیهای اجتماعی در راهپیمایی روز یکشنبه جبهه دمکراتیک ملی شرکت کنند.

## دولت موظف است حفظ نظم تظاهرات فردا را بعهده بگیرد

بصورت راهپیمایی دست خواهد زد. همانگونه که پیش از این نیز بارها به تجربه ثابت شده، احتمال دارد که این بار نیز گروههای انحصار طلب و متعصبی که سا قدرتهای کم بستگی دارند به برهم زدن این راهپیمایی اقدام کنند و نیروهای انتظامی گوناگون نسبت به این گونه جریانات مانند گذشته بی‌طرف نمانند. از این رو از کانون اعلام می‌کنیم که «حفظ نظم» وظیفه نیروهاست که به هر عنوان مسلح شده‌اند و حقوق می‌گیرند و مسئولیت هر نوع برخورد خشنوتی در این راهپیمایی بعهده دولت و نیروهای انتظامی تحت اختیار اوست.

جبهه دمکراتیک ملی ایران در نامه سرگشاده‌ای به نخست‌وزیر هشدار داد مسئولیت هر نوع برخورد و خشونت در راهپیمایی روز یکشنبه بعهده دولت است. متن این نامه که برای وزارت کشور، کمیته مرکزی انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب و شهربانی کل کشور فرستاده شده، چنین است: جناب آقای نخست‌وزیر: جبهه دمکراتیک ملی ایران بدینوسیله رسماً به اطلاع جنابعالی می‌رساند که برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان و اعتراض به اقدام خودسرانه تعطیل و توقیف روزنامه‌های آزادیخواه ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۱ مرداد ماه به تظاهراتی مسالمت‌آمیز

## دیداری از شورای انقلاب

بقیه از صفحه ۱

گوناگون را، که از اثر این نفوذ است نقطه آغاز ردیابی قرارداد. اگر بیاد داشته باشیم، آن امریکایی پافشار، در انشاگره‌های نظامی - سیاسی که در اوج وقایع در تهران بود و سرانجام ویرا، سرهنگ توکلی - که اکنون سیامی پشت پسره و وقایع بحساب می‌آید - در فرودگاه مهرآباد درون هواپیما گذاشت و از ایران روانه کرد، گوشه‌هایی از تلاش تجسس و ارتباط اطلاعاتی «سیا» را فاش کرد، همچنین نشانه‌هایی از شوقهای دیگر را برملا ساخت. شوقهای ارتباط و خدمت، ولی اونوجه نداشت که «سیا» شرایط مناسبتری هم به علت امکانات زه‌نی دراز، برای ایجاد رخنه‌های مطمئن در اوضاع و احوال و در «محور قدرت آینده» انقلاب داشته است. حضور یک روحانی مقتدر و مصمم را، در سیاست ایران، خواص و آگاهان سیاسی از سال ۴۱ بود که احساس کردند. پیامهای این رهبر روحانی، از سال ۴۲، در محافل سیاسی، با اعتبار بسیار، مورد توجه قرار گرفت.

همان زمان، مردان آگاه سیاسی، در مجالس محدود خود، به دوستان و آگاهان یادآوری می‌کردند: «حاج آقا روح‌الله اگر بمیدان آمده، حساسیت از دیگران جداست و رژیم، حق دارد احساس خطر بکند، اما مقابله با این مرد از راه خشونت میر نیست، اگر عاقل باشند باید از در سازش درآیند». اینها تازه نیست، و مطالبی است که به سال ۱۳۴۲ بساز می‌گردد. و با دقت و وسعت اطلاعاتی که «سیا» در آن زمان از اوضاع و مسائل ایران داشت، و به تمام جریانات که در نتیجه می‌گذشت، احاطه نشان می‌داد، چگونه ممکن بود درباره مردی مردانه، که به یقین آن زمان محوری شده بود که می‌توانست توفانی چون آنچه در خرداد ماه ۴۲ روی داد، برانگیزد، ناآگاه و بی اطلاع باشد.

با حضور سابقه‌دار «سیا» در مجموعه حرکات سالهای پس ۱۳۲۵ در مناطح حساس و خاصه شهرهای مذهبی، نظیر مشهد، و دست‌اندازه‌های گوناگون به فضای اجتماعی و تبلیغاتی، در شهرها مهم، جای هیچ شك نمی‌ماند، که «سیا» بسیار هشیارتر از نظام عروسکی شاه مطرود، به وقایع و جریانات می‌نگریست و در وقایع حضور نامریی داشت. آزمایش سال ۱۳۳۶ را در مشهد، چه کسی می‌تواند بی‌ربطه باین حضور بداند، که استعداد آفرینش حادثه سراسری در آن بود. کشف انبوه اوراق زیارتنامه و کتابهای دعا، در جایی که جز به‌غائله سازی، تعبیری برای آن نمی‌شد. اگر کسی از اهل تحقیق باشد که به وایق افسراد برسد، در میان مردمی از چهره‌های سرشناس یکسال اخیر، به‌سوابقی برمی‌خورد که به‌سبب بسیار اعجاب‌انگیز باشد. درباره خیلی از مردان فعال در یکسال اخیر، از زمانهای دور می‌توان همین گونه به بررسی پرداخت و رازها، اگر افشا شوند، می‌بینیم، حتی آن جوانان مشتاق که تحصیل سال آخر طب پارتیه‌های دیگر ازین قبیل را رها ساخته‌اند و شوریدند و از آمریکا آمده‌اند و اکنون، در هیات

## تهاجم به آزادی

بقیه از صفحه ۱

را اعلام کرد ایم. در زیر نظر سه نشریه آزاد را می‌خوانید: کیهان آزاد شورای سردبیری کیهان آزاد نظر داده است که: بنظر ما تمام بهانه‌هایی که برای تعطیل آیندگان تراشیده‌اند بی‌جگانه است، آیندگان از ماهها قبل با اخراج همایون بوسیله کارکنان توسط خود آنها اداره می‌شد. از طرف دیگر اصولاً يك شرکت سهامی را بدلیل اینکه یکی از سهامداران آن یا حتی بسیاری از سهامدارانش خلاف قانون عمل کرده باشند نمی‌شود منحل کرد یا بست. این خلاف قانون است و بی تردید همه چیز را به‌بانه کرده‌اند تا جلو انتشار آیندگان را بگیرند و با افشاکاری سلطه امپریالیسم و ارتجاع مقابله کنند.

لایحه مطبوعات کادر تحریریه کیهان آزاد معتقد است که لایحه مطبوعات يك لایحه کاملاً ارتجاعی است و به مراتب از لایحه قبلی محدودیت‌های بیشتری برای مطبوعات ایجاد کرده است. بنظر ما باید نظام مطبوعاتی برخاسته از خود مطبوعات حاکم بر سرنوشته مطبوعات باشد.

ندای آزادی شورای نویسندگان روزنامه ندای آزادی نظر خود را در مورد موج تازه تهاجم و تهدید و ارعاب

به مطبوعات چنین بیان کرده است: «نیک می‌دانید که ایجاد تجاوز بحریم مقدس آزادی از حد بستن يك روزنامه با آن جریمهای کفایتی وسیع تر است. موضوع بر سر شکستن قلم‌ها، بریدن زبانها و بزننجیر کشیدن مغزها است. و حمله به مطبوعات آزادی خواه تنها حلقه‌ایست از این زنجیره کوشش برای احیاء اختناق. آزادی هیات اجرایی جبهه دمکراتیک ملی ایران خطاب به همه هم میهنان در نشریه آزادی اعلام کرده است. بدنبال انتخابات «صد درصد آزاد» که نحوه برگزاری و نتیجه از پیش تعیین شده آن موجب از اعتراض در سراسر کشور برانگیخته است، در حالی که خشم مردم در مقابل قدرت‌نمایی ارتش و مترجمان در کردستان، زورگویی قدرت حاکم در خوزستان و کشت و کشتارهای پراکنده در سراسر ایران. سایه سنگین و منحوس فاشیسم عقب‌افتاده‌یی را حتی برای دیرباورترین کسان، و واقعیتملموس ساخته است. یورش به آزادی‌های مطبوعات آزادیخواه گام بلند دیگری است که قدرت حاکم در راه به بند کشیدن اراده آزاد ملت و تحمیل نظرات انحصار طلبانه و ارتجاعی خود بر سر مردم کشور برمی‌دارد.

## کانون وکلای دادگستری

بقیه از صفحه ۵

داخلی و بین‌المللی که مانع فنی یکباره حرفه و کالت در این برهه از زمان حتی توسط حکومت کودتا بود بجای ماند و لایحه استقلال به تأثیر مجلسینی که بعداً تشکیل شد رسید. حکومت کودتا به علت خصلت ابلهانه و بی‌دانشی غافل بود از اینکه تشکیل يك شورای دمکراتیک مانند کانون وکلا که توسط توده‌های از وکلا و از پایین انتخاب میشود چه نقشی را ممکن است در آینده بازی کند. وکیل را به هیچ گرفتند. استقلال کانون وکلا باقی ماند و کانون وکلا بالاخره آن شد که می‌بایست بشود.

با استقرار کانون وکلا بتدریج جوامع و سازمانها و جمعیت‌هایی فیز از وکلای دادگستری که برای خود اهداف اجتماعی و حرفهای دیگری هم قائل بودند تشکیل گردید ولی متأسفانه بعلمت شرایط اختناق اکثراً یا محسود شدند و یا از میان رفتند. و یا اینکه صرفاً هر دو سال یکبار هنگام انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا اظهار وجود و اظهار حیات میکردند و کاندیداهای خود را معرفی و مانند اجزایی در دنیای وکالت برای موفقیت آنان کوشش می‌نمودند. باید در نظر داشت که تنها انتخاباتی که به‌صورت دمکراتیک و آزاد در طول دوران دیکتاتوری فاسد ۲۵ ساله انجام میگرفت همین انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا است که از آن بعنوان ضرب‌المثل و نمونه انتخابات آزاد بارها یاد شده است و همین انتخابات موجب میشد که وکلای دادگستری در جزیره خود هر دو سال یکبار تشریف دمکراسی کنند.

## یک نامه

بقیه از صفحه ۴

حقوقی بین‌المللی مطرح نمایند. علاوه بر آنکه حقایقتشان را در غیر قانونی بودن انتخابات باثبات خواهند رسانید صدای اعتراض ملت را که در آرزوی يك انتخابات مردمی بجان آمده‌اند بگوش طلاب، به خدمت در قم مشغولند، جای بحث دارند. و این جدا از گروه فراوان فرزندان روحانیان هستند که در عین پیوند خانوادگی، خالی از فضای روحانی، در آمریکا، تخصص‌های رایج، زبان را دیده‌اند و امروز، بر اساس ست گزایی محور رهبری روحانی و سیاسی انقلاب، همه‌مصدر آشکارا یا پنهان مقامهای عمده اجرایی و ارشادی هستند. و اگر تعداد اندکی از آنها نیز دانسته یا ندانسته پس از تباطی باشند، برای حضور «سیا» در مجموعه شبکه‌های بخش قدرت انقلاب کافی است.

شاید این اندازه نشان دادن روزنه‌های نفوذ ریشه دوانی «سیا» کافی باشد تا راز انحرافهای مبارزه با امپریالیسم را، در جریان شش ماهه پس از ۲۲ بهمن برملا سازد.

## بازداشت شدگان آیندگان را کجا برده اند؟

خانواده یکی از بازداشت شدگان آیندگان در تماس با پیغام امروز ضمن ابراز نگرانی از سر نوشت آن ها گفت: در مراجعه به دادستانی انقلاب و دادستان ارتش با بی اعتنائی مسئولان روبرو شدم و هیچکس اطلاع موثقی در این مورد بمن نداد. گروهی می گفتند بازداشت شدگان تا شنبه (امروز) آزاد می شوند گروهی دیگر اظهار می داشتند تازه آنها را بزدان قصر یا اوین برده اند.

**دستگیری یکی از کارگران**  
صبح دیروز یکی از کارگران چاپخانه آیندگان، بنام صدی، در مقابل چاپخانه بازداشت و به کلانتری مرکز برده شد.

## مطبوعات پایه پیروزی شما بود

بقیه از صفحه ۱  
دولت موقت انقلاب، خاموش ماندند، و کوشیدند هر نوع که میسر است، آب روی آتش تحریک علیه مطبوعات بریزند.

حاصل این کار می دانید چه شد؟ کیهان، این سنگر نیروهای قاطع مبارزه بروزی افتاد، که برابر چشمان ماست. و آن هیات تحریریه یکپارچه شور و اشتیاق در مبارزه با رژیم میلیتاریستی شاه، که از سنت ریشه دار در این مبارزه برخوردار بود، برای آزادی قربانی وزندانی متعهد داده بود، چنان زیر شلاق هجوم انحصارطلبان، از پا درآمد که عقل گردانندگان رژیم میلیتاریستی هم به گرد آن نمی رسید.

در اطلاعات، هنوز نیروی یکپارچه فعال در اعتصاب انقلابی، دست نخورده مانده است. هیات تحریر آیندگان، که با همان شدت کیهان، زیر ضرب های تازیانه انحصارطلبان قدرت، قرار داشت، موج ها ریلک از سر گذرانند، و تا این مرحله، که می بینیم، چاپخانه مبروم شده است، و از هیات تحریریه تا امروز ۱۲ تن را به زندان برده اند. و با آنکه آنها هم یکپارچه از کارگر تا نویسنده و خبرنگار مبارز ضد میلیتاریسم بودند، باز در میان بازداشت شدگان، ما چهره یکی از فعالترین مبارزان ایام اعتصاب انقلابی را می بینیم. مبارزه با پیغام امروز را نیز خوانندگان ما، خود شاهدند. در مرحله بعدی نبرد، پس از تخریب هیات تحریریه کیهان، مبارزه با آیندگان و پیغام امروز، تابع برنامه ریزی های متعدد شد. در نخست وزیری - به شهادت اظهارات سخنگویان دولت درباره روزنامه ها - در وزارت اطلاعات، و سپس ارشاد ملی، در حزب معلوم، و بنا بر معروف حتی در شورای انقلاب، و نیز از طریق نفوذ در دفتر رهبر روحانی و سیاسی انقلاب، هجوم به این دو روزنامه یک برنامه مشخص تلقی گردید.

در احوالی که روزنامه نویسان عادی، و تابع شرایط روز، با این استتلال که آنها مرده شوی هستند، و هرکس به آنها مرده می داد می شویند، و در هر سالخانه می توانست کار کنند، روی خط قدیم به کارهاشان ادامه میدادند، و جای ایراد هم نبود، زیرا، عوامل ضد انقلاب و سرسپردگان و آتش بیاران دوران گذشته، از طریق شناسایی اربابان جدید قدرت توانسته بودند مورد اعتماد و مشورت آنها قرار گیرند، و در سایه حمایت آنها، از کیفر امن بمانند، حتی نقش هائی در مطبوعات عهده دار شوند، مبارزان اصلی صف اعتصاب انقلابی، و مردانی که در رژیم سرنگون شده هم مورد بی مهری، و مورد طرد و بهتان بودند، ناگهان علاوه بر رهبری دسته های فشار، تازیانه حزب معلوم هم، بر فرقه شان فرود آمد. شگفت اینجاست که نویسندگان روزنامه آیندگان را، دادستان کل انقلاب، به خاطر ترجمه و چاپ مطلب تایم زمالی لندن، که در سر اسرجهان انتشار می یابد، زندانی می کند، و تمام کسانی را که طی چهار ماه اخیر، از رادیو، تلویزیون، تریبون مسجد، و روزنامه های تسلیم قدرت، و چاپ افیشه ها و اعلامیه های سرایا ناسزا، بهتان، و تحریک به شوراندن مردم ناآگاه علیه روزنامه های آیندگان، پیغام امروز کمر بسته اند، نادیده می گیرند.

اگر دادستان انقلاب، فقط فرصت یافته بود که بداند پای او، برای رسیدن به مقام دادستانی انقلاب، هنوز روی شانه پر طاقت همین نویسندگان قرار دارد، وضع تغییر میکرد. اما درین که دادستان کل انقلاب هم، مانند بسیاری دیگر از آنان که پا در رکاب قدرت کرده اند، و یکه تاز قدرت انحصاری شده اند نمی دانند که هشتاد درصد این سوارکاران غاصبان قدرت انقلابند. و مردم هرگز آنها را نمی شناخته اند و امروز هم هرگز با رضا تن به اشتیاق آنها، نمی دهند. «خطاب ما، اکنون، با دولت است، و با شورایی است که هنوز آنرا انقلابی گمان می بریم هر چند اعضایش را نمی شناسیم.»

ما، به دولت و شورای انقلاب است که یادآوری می کنیم، رژیم سرنگون شده نیز، قدرت مطلق را، گمان می برد به خود اختصاص داده است، و گمان می برد، بسا خفه کردن صدا، در گلوئی مطبوعات و رادیو و تلویزیون، و حتی در مسجد، به قدرت ابده آل رسیده است، اما، این

## جنگ شوم

بقیه از صفحه ۱

و مطبوعات تسخیر شدم، فتح ندارد. و کمترین انتظار کسانی که باتمام وجود، در مبارزه خونین سرکوب دولت نظامی از هناری، شرکت داشتند، و در عین اعتصاب، تریبونی برای انقلاب بسودند، از شورای انقلاب، و دولت موقت انقلاب این بود که حداقل به اندازه دولت دکتر مصدق - که درگیر مبارزه با امپریالیسم و دربار بود - به مطبوعات و به مردم آزادی بیان و عقیده بدهند. و این نوع هجوم ناگهانی، به مطبوعات تسخیر نشده، و مدافع تریبون آزاد، خطبطلان روی همه انتظارات می کشد.

امروز نسبت به مطبوعات است، که سرزیر گیتوئین انحصارطلبی بدهند و فردا تربت احزاب و گروه ها، و پایان این راه، نه به صلاح دولت موقت انقلاب است، نه شورای انقلاب اعتبار تمام اقدامات دولت و شورا، در اینست که، در فضای آزاد برخورد آرا و عقاید انجام گیرد. و حتی اگر قرار باشد دولت به نظام پاشنه آهنین بازگردد، هنوز بسیار زود است. و دشمن های امپریالیسم، از جمله قرارداد ۱۹۵۹ در پهلوی آقایان آماجگاه می جوید. جنگ با مطبوعات جنگ شومی است. حتی اگر بظاهر به شکست مطبوعات منجر شود.

## انجمن دفاع از

بقیه از صفحه ۱

گردد. جرایم مطبوعاتی باید طبق قانون و با حضور هیات منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد و در حال از صلاحیت دادگاه های انقلاب به موجب وظایفی که برای آنها معین شده بیرون است. انجمن دفاع از آزادی مطبوعات فعالیت حرفه ای خود مرتکب خطا یا جرم بشوند و طبیعی است که باید پاسخگوی اعمال خود باشند ولی رسیدگی به خطای مطبوعات نباید وسیله امحای آزادی

استیلا، با مطبوعات و رادیو و تلویزیون کاری کرد که آنها که درین وسایل کار می کردند، نیز نسبت به آنچه می کردند، نفرت داشتند، و از کار خود بیگانه بودند.

ما، از انقلاب، بابت آنچه کردیم، جز آزادی منطقی و معقول مطبوعات، چیزی نمی خواستیم. هیچ یک از ما روزنامه نویسان، در پی حاکم و مقام و منصبی نبودند. و پاداشی که امروز دولت موقت انقلاب، و شورای انقلاب به ما می دهند، درست همان است که اگر میلیتاریسم، فاتح شده بود، به ما مراد. بهتان، گذشته از منع شرعی، که آقایان باید به آن پابند باشند، جرم است و در قوانین نیز کیفر دارد. برانگیختن مردم ناآگاه علیه مطبوعات مخالف پسانتقد کار دولت، حرکت ضد انقلابی است. ایجاد ضرر و زیان برای مطبوعات، و قطع رابطه آنها با خوانندگانشان، باز قابل تعقیب است. تحریک، تا مرحله ایجاد خطر جانی، هم اسلامی نیست و هم با قوانین حاکم بر جامعه مغایر است. و از اینجه گذشته، مگر انقلاب، برای سرکوب اختناق نبود، و مگر قرار نبود که پیروزی انقلاب حق آزادی بیان عقیده را، برای مردم ایران حفظ کند؟

آقایان، این کسه تیشه به ریشه اش می زنید، رژیم میلیتاریستی نیست، یکی از پایه های اصلی انقلاب است. شما زیر سقفی نشسته اید که رژیم میلیتاریستی آنرا بالا برده بود، و با یکدندگی دارید تمام نیروی خود را برای ریشه کن ساختن آزادی مطبوعات، و سرکوب روزنامه نویسان آزاده و مبارز این مزرعوبوم، بکار می برید.

زیر آوار این پایه پیروزی انقلاب، جای هیچ تردید نیست که تمام آرزوهای دیگر، از آزادی اجتماعات و احزاب تا آزادی سندیکی، و حتی نفس کشیدن از پا در خواهد آمد.

آیا، این تهاجم، خدمت به کیس؟ به مردم ایران؟ به مبارزان انقلابی؟ یا به امریکا؟ و به «سیا» برای آنکه فردا مسلسل ها را برای خود شما گلوله گذاری کند؟ ما، از استقبال مرگ نیز روگردان نیستیم، چون می دانیم که فصلی نو از تاریخ انقلاب ایران در صد سال اخیر دارد نوشته می شود. و ما اگر پشت به حادثه بکنیم، از شمار کسانی خواهیم بود که زندگیشانرا به دفاع از حقوق فردی و اجتماعی مردم مملکتشان، رجحان می نهند.

اما شما چه؟  
شما چه می خواهید بگویید و چه می خواهید بکنید؟  
با قرارداد نظامی ۱۹۵۹ امریکا که ایران را وابسته سیاسی - نظامی اتانونی کرده است. و با سر نوشت کشور، در قبال حق حکومت مردم بر خودشان!

و ما مردم، تظ از مردم چشم حمایت داریم و بس.

پیغام امروز  
مدیر مسئول - رضامرزبان  
زیر نظر شورای نویسندگان

ناشر: پیغام نو  
نشانی: پستی تهران صندوق  
شماره ۴۱۲۶۶۷

## وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه

## پلیس راه به چه مجوزی روزنامه را توقیف می کند

گزارشهای رسیده از کرمانشاه حاکیست پلیس راه کرمانشاه - قصر شیرین، اتوبوس های حامل مسافران متوقف مرآد و به جستجوی آنها پرداخته بسته های روزنامه پیغام امروز را ضبط کرده به بیابان پرتاب می کنند. پیغام امروز: ما از پلیس راه در مورد این عمل توضیح می خواهیم. باید روشن شود مجوزی این اقدام پلیس راه چیست و آیا وظیفه تازه ای به عهده این سازمان گذاشته شده است؟

## آقای بازرگان

بقیه از صفحه ۱

مورد تصویب قرار گرفته و دنیا علت تصویب آن و عجله بی که در کارش کرده اند توطئه می است که پرچم ملت در جهت سلب آزادی های فردی و اجتماعی دارد شکل می گیرد. همه این کارها برای آن است که هر چه زودتر وضع بصورتی درآید که به طور مطلق احدالناسی نتواند با انحصارطلبان جدید به زبان انتقاد و از موضع نظارت ملی سخن بگوید. همه زبانها بریده شود تا کسی نتواند به آقایان بگوید بسالای چشمتان ابروست. و این برنامه را بطور آشکارا سرکوب روزنامه آیندگان شروع کرده اند هر چند که بی درنگ و در نهان به مطبوعات دیگر نیز سرایت داده اند.

مع ذلك من معتقدم همه این حرکات شتاب آمیزی که عوامل این سلطه جوئی تازه انجام میدهند « مفید » است. دوستی آنها با سلطه جویان دوستی خاله خره است و در نهایت امر سبب مسود آنچه را که توده های ناآگاه می بایست به مرور دریابند مدت زمان کوتاه تری درک کنند. ابلهانه است اگر تصور کنیم مردم از خود نمی پرسند که اگر قرار است هر منطقی با چاق قدرت خاموش شود پس این انقلاب برای چه صورت گرفته است، مضمون آن چه بوده و چه نتایج می بایست به دست داده باشد و در نهایت امر سودی که از آن به جامعه رسیده چیست.

## غلامحسین سعیدی:

این هم يك شاهکار دیگر، بسورش مسلحانه به روزنامه آیندگان و تصرف چاپخانه آیندگان و تعطیل چندین و چند روزنامه ای که در آنجا چاپ میشد و دستگیری وزندانی کردن عده ای از روزنامه نگاران. بده، به عقوبت گناهی که داریوش همایون فاشیست در بلخ مرتکب شده بود، حالا باید گوران و یارانش در شوشتر پاسخگو باشند.

اما مسئله از ماهها پیش بسیار روشن بود. قدرت حاکم کمین کرده بود تا در فرصت مناسب مطبوعات « اپوزیسیون » را بایک حمله گسازانبری سرکوب کند، و چه فرصتی مناسبتر از اوضاع آشفته و در هم دوران انتخابات خبرگان؟ و آن هم درست روز بعد از تصویب لایحه مطبوعات. هر چند که وزارت ارشاد ملی زیرش بزند و این دوتارا بهم مربوط نماند.

ولی در عمل می بینیم که خیلی هم بهم مربوط است. حال از درت بازرگان باید خواهش کرد تا تعریفی از آزادی بدهد. و از خود بازرگان پرسید: که لطفاً استبداد را تعریف بفرماید.

و به قدرت مسلط فعلی هم یادآوری کرد که سروران بیخود آب درهاون نکوبید، دیدید که رگهای گردن به حجت قوی را چگونه ملت در هم شکست؟ خودتان می دانستید که با يك لایحه بی اعتبار نمی توانید آزادی قلم را یکبار از میان بردارید. حالا با ژ-۳ و یوزی

و تیربار به میدان آمده اید. ولی کارتان عیب است. مبارزه برای آزادی قلم و بیان یک مسئله تفکینی نیست، يك امر حیاتی برای ادامه مبارزه است تا دولتتان می خواهد شلتاق بکنید. اما نتیجه بزرودی خواهید دید.

**هوشنگ گلشیری:**  
حقیقت اینست که برزخ موجود یعنی این دمی که در آنیم، این فاصله میان آن دیکتاتوری و وابستگی به امپریالیسم تا آن که دارد پا می گیرد، دارد کم کوتاه و کوتاه تر می شود، امید این بود که در این فاصله نیروهای ملی و دموکراتیک بتوانند با بنیادگذاران نهاد های مترقی متشکل کردن و افشای اعمال ضد ملی و مردمی گذشته و حال و بالاخره جهت دادن به آنهمه شور و شهادت را، بازگشت را بر استبداد و استعمار مد کنند اما عوامل ارتجاع و امپریالیسم سرمایه داری نیز این را می دانستند که زمان به نفع آنان نیست، بهمین جهت ضربه ها را فرود آوردند تا بتوانند با استفاده از اختناق انقلاب را متوقف کنند و حتی قهرها را به مسائل دست دوم و انحرافی سرگرم سازند. تملک کیهان، اشغال نظامی آیندگان و جلوگیری از انتشار دیگر روزنامه و مجلات، حمله به میتینگ ها، انحصارطلبی گروه هایی خاص آنروی سکه تسلط امپریالیسم و سرمایه داری وابسته خواهد بود تا آنجا که اگر نیروهای ملی و مترقی بتوانند آزادی را پاسدارند از همین فردا در پس درهای بسته همان بر سر ملت ما خواهد رفت که پس از ۲۸ مرداد رفت، یعنی قلم و قلمه همه گروه ها، سازمانها و احزاب مترقی و ملی و اینهمه متأسفانه در پشت تظاهر به اسلام و اسلامیت انجام می گیرد. و این خطر دومی است که ما را تهدید می کند، یعنی همه اعمال و احکام و قوانین و لوایحی که امروز یا فردا به تصویب خواهد رسید یا به هر نحوی اجرا خواهد شد چاره ناچار کلیت اسلام را مورد سوال قرار خواهد داد.

تکیه بر حجاب مثل شورائی کردن کارخانجات، طرح مساله دریابه جای مصادره همه سرمایه های مالی استثمارگران غرب و غیره و غیره زنگ خطری است که هر مومن به اسلام را نگران می دارد چرا که سالها مردم مسلمان ما می اندیشیدند که با استقرار اسلام راستین، استثمار انسان از انسان رخت بر خواهد بست و مساله فاضله الهی بر زمین بوجود خواهد آمد، اما امروز می بیند که این اسطوره همراه با بسج چاق بدست ها، شلاق زدن بر سر معابر، به قدرت رسیدن آدم های بی هویت و ناشناخته. جذبه اش را از دست می دهد.

خلاصه آنکه شمارش معکوس اعتبار این کلیت بواسطه اعمال بی رویه انحصارگران قشری شروع شده است، تا آنکه دلسوز واقعی این کلیت اند چه کنند و چگونه از فاجعه ای نظیر اندونزی، یا پاکستان، یا هرستان سعودی جلوگیری کنند و اسلام راستین را آنگورنه که باید و شاید پاسدارند.